



پودمان ۴

انسان و تشکیل خانواده

مقدمه

یکی از مراحل تأثیرگذار زندگی، مرحله تشکیل خانواده و ازدواج است و چنانچه این مرحله با موفقیت به نتیجه برسد، می‌توان آن را نقطه عطف زندگی تلقی کرد و چنانچه این مرحله، با دشواری یا مشکلات آغاز شود و در ادامه چنین روندی، همچنان اختلافات زندگی و تنگناهایی بروز پیدا کند، می‌تواند نقطه آغازی برای دوره‌ای دشوار و پرچالش محسوب گردد.

بر این اساس، ازدواجی موفق و مطلوب است که طرفین با شناخت متقابل یکدیگر و قبول مسئولیت‌های دقیقی که بر عهده می‌گیرند، گام در این وادی نهند و از نتایج چنین زندگی مشترکی، این است که زوجین به تکامل فکری و معنوی خود، سرعت بیشتری می‌بخشند، لذا با توجه به عمر زندگی مشترک، که غالباً سالیان طولانی به درازا می‌انجامد، ازدواج موفق، با سعادت و خوشبختی همه زندگی برابری می‌کند و در نقطه مقابل نیز، ازدواج ناموفق، به معنای یک عمر درد و رنج است.

از این رو، به لحاظ اهمیت موضوع، این فصل به مباحث مربوط به تشکیل خانواده اختصاص می‌یابد و موضوعاتی همچون ضرورت زندگی مشترک، معیارها و میزان‌های صحیح و ناصحیح انتخاب همسر و نیز برخی مخاطرات روابط آزاد و خارج از چارچوب صحیح قبل و بعد از ازدواج را دربرمی‌گیرد.

زندگی خوب

اندیشمندان از دیرباز به بیان دیدگاه‌های خود درباره جامعه مطلوب، زندگی خوب و توأم با آرامش و رابطه این دو پرداخته و تعریف‌هایی در این زمینه ارائه کرده‌اند، به عنوان مثال افلاطون، آرمان تربیتی خود را بر اساس تحقق جامعه‌ای برخوردار از عدالت، زیبایی، حکمت، برادری، آرامش و حسن نیت استوار می‌سازد.^۱ به عبارت دیگر چنین جامعه‌ای با داشتن ویژگی‌های بالا، به حالتی می‌رسد که می‌توان آن را «هویت متعادل» یک جامعه تلقی کرد.^۲ ارسطو نیز با بیان اینکه، هدف جامعه سیاسی، نه تنها «زیستن»، بلکه «بهزیستن» است، تلویحاً «حیات برین» را، آرمان و مقصود زندگی تلقی می‌کند.^۳ اپیکور فیلسوف یونانی می‌گوید برای رسیدن به شادمانی و لذت پایدار معنوی، باید از زندگی به طور متعادل بهره گرفت. او می‌گوید باید بیاموزیم که برای رسیدن به شادمانی و لذت پایدار معنوی، باید از زندگی به طور متعادل بهره گرفت. او می‌گوید باید بیاموزیم که میان لذت و الم، به حالت تعادل یا «آتاراکسیا»^۴ دست می‌یابیم که همان آرامش جسم و جان است.^۵

۱. تأملی نقدگونه در باب معنای غایی زندگی با تأکید بر دیدگاه ویکتور فرانکل

۲. گزیده مقالات فلسفی، استیس

۳. سیاست، ارسطو

۴. Ataraxia

۵. سیر اندیشه فلسفی در غرب، ص ۵۲

حیات معقول از دیدگاه ابن سینا

ابوعلی سینا در بیان زندگی مطلوب، بیانی دارد و می‌گوید:
 «حیات معقول، زندگی جاویدان نفس در یک شادمانی پاینده است. این شادی سرمدی و خوشحالی زوال‌ناپذیر از آراسته شدن به علوم الهی و زدودن جهل از دامن نفس حاصل گشته است.»^۱

زندگی پاک

در نگاه قرآن کریم، چشم‌انداز خاصی برای زندگی مطلوب وجود دارد. در چنین افقی، به مرحله‌ای والاتر از زندگی مادی و زیستی اشاره شده و از آن به عنوان «حیات طیبه» یا «زندگی پاک» یاد شده است و لازمه دستیابی به آن، دو چیز است: ایمان و عمل صالح. خدای تعالی می‌فرماید.
 «هر کس از مرد یا زن، کار شایسته کند و مؤمن باشد. قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد.»^۲
 در تفسیرالمیزان آمده است: «خدای تعالی، مؤمنی را که عمل صالح کند به حیات جدیدی، غیر از آن حیاتی که به دیگران داده، زنده می‌کند.»^۳

در تفسیر نور نیز می‌نویسد: «حیات طیبه آن است که انسان، دلی آرام و روحی مؤمن داشته باشد، مؤمن نور خدا می‌بیند، مشمول دعای فرشتگان است، مشمول تأییدات الهی است، اینگونه افراد، خوف و حزنی ندارند.»^۴
 و در تفسیر موضوعی قرآن نیز از «حیات طیبه» به عنوان موضوع مهمی که قرآن کریم آن را ره‌آورد وحی می‌داند، چند نکته اساسی را مطرح می‌کند:^۵

اول: اینکه قرآن پیروانش را نوید حیات داد و فرمود: «هر کس به قرآن عمل کند، زنده می‌شود:» «چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فراخواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید و بدانید که خدا میان آدمی و دلش حایل می‌گردد و هم نزد او محشور خواهید شد.»^۶
 دوم: اینکه آن حیات موعود، حیات طیبه و پاکیزه خواهد بود.
 سوم: اینکه این حیات طیب و پاکیزه، انسان را صعود می‌بخشد و به مقامی می‌رساند که در آن، منزلت نزد خدا خواهد بود.

چهارم: اینکه نتیجه این صعود، جاودانی بودن و دائمی شدن است.

پنجم: اینکه انسانی که به این مقام رسید، در تمام شرایط زندگی طیبش، پربار و ثمربخش است. با روشن شدن مفهوم حیات طیبه، می‌توان به رابطه آن با «رزق الهی» نیز اشاره کرد. صاحب تفسیرالمیزان در تبیین مفهوم رزق الهی می‌نویسد: «رزق کریم، همان حیات طیبه در دنیا و آخرت و اجر نیکوی آخرت است.»
 از نکات قابل توجه در این موضوع، امکان برخورداری همه انسان‌ها، اعم از زن و مرد، از حیات طیبه است، زیرا براساس آیه شریفه مذکور، شرایط برخورداری از چنین حیاتی، ایمان و عمل صالح است و موضوع مرد و زن

۱. مجموعه رسائل، ص ۶۱۵

۲. من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحییته حیاة طیبة ... (نحل: ۹۷)

۳. ترجمه تفسیرالمیزان، ج ۲۴، ص ۲۶۲

۴. تفسیر نور، ج ۶، ص ۴۵۱

۵. تفسیر موضوعی قرآن، ج ۱، ص ۱۷۵

۶. انفال: ۲۴

بودن، در این امر دخالتی ندارد. به عبارت دیگر نیل به حیات طیبه، مستقل از جنسیت است. از جهت دیگر، کمال حقیقی انسان و برخورداری او از وجوه کمال، به روح و نفس آدمی مربوط می‌شود، نه به جسم او، چون جنسیت در حوزه جسم و بدن، محل اعتنا بوده و در حوزه روح و نفس، جنسیت دخالتی ندارد، بر این اساس، این آیه شریفه امکان نیل به زندگی پاک را برای همه مردم، اعم از مرد و زن، برابر می‌داند. نکته دیگر به مقایسه میان «زندگی خوب» و «زندگی پاک» مربوط می‌شود؛ چنین به نظر می‌رسد که مؤلفه‌های زندگی خوب، ناظر به جنبه‌های ارزنده و مطلوب است و برای تأمین خواسته‌های انسانی، در چارچوب حیات دنیوی، لازم و ضروری می‌باشد ولی این مؤلفه‌ها، فراتر از زندگی دنیایی نمی‌رود و نگاهی به حیات اخروی (دنیای پس از مرگ) ندارد، در حالی که در «زندگی پاک»، علاوه بر داشتن ویژگی‌هایی نظیر آرامش درون و نداشتن خوف و حزن، که ناظر به حیات دنیوی است، انسان را به جاودانی بودن، دائمی شدن و صعود می‌رساند که فراتر از زندگی دنیایی بوده و حیات اخروی را به گونه‌ای ترسیم می‌کند که انسان، برای همیشه در آن مرحله از هستی، به جاودانگی می‌رسد که منتهای آرزوی هر انسانی است.

ضرورت تشکیل خانواده

برای تشکیل خانواده، ضرورت‌های متعددی قابل بیان است که از جمله برخی از مهم‌ترین آنها، موارد ذیل است:

۱ استمرار حیات بشر

اولین و مهم‌ترین دلیل برای تشکیل خانواده، تداوم نسل انسان در جهان هستی است. خداوند متعال، موجودات و پدیده‌های طبیعت را مُسَخَّر انسان قرار داده است و او باید به گونه‌ای به اداره زندگی خویشتن بپردازد که علاوه بر حفظ محیط زیست و بهبود آن، نسلی از خویش باقی گذارد تا بتواند با استفاده از میراث فرهنگی و تمدنی پدران و نیاکان خویش، راه زندگی را تداوم بخشد.

بی‌تردید تنها راه سلامت و تداوم نسل، همسرگزینی و تشکیل خانواده است، زیرا در محیط سالم و پاک خانواده است که دختر و پسر می‌توانند با پاسخ دادن به نیازهای طبیعی، روحی و غریزی خود، با اقدام به فرزندآوری، نسل سالم و پاکی از خود بر جای گذارند. در غیر این صورت، آنهایی که می‌اندیشند با روی آوردن به جنس مخالف و دور از چارچوب خانواده و بدون رعایت موازین شرعی و قانونی، با او رابطه‌ای آزاد برقرار می‌کنند، در حقیقت علاوه بر دامن زدن به انحرافات اخلاقی و ایجاد رفتارهای پرخطر، جامعه را به سوی بی‌بندوباری سوق می‌دهند و با اتکا به آزادی بی‌قیدوشرط در انجام خواسته‌های نفسانی‌شان، از تشکیل خانواده سر باز می‌زنند و پدیده فرزندآوری که در چارچوب خانواده، معنا و مفهوم پیدا می‌کند، در روابط آزاد و غیراخلاقی دختر و پسر، جایی پیدا نمی‌کند و در نتیجه به کاهش نسل یا فرزندان نامشروع و در نهایت امر به نابودی نسل می‌انجامد.

۲ تحقق جامعه سالم

این واقعیت که خانواده، جزء لاینفک اجتماع است، تردیدی نیست. ارتباطات درونی اعضای خانواده، موجب اداره مطلوب زندگی خانوادگی می‌شود. و موفقیت در این زمینه، به طور مستقیم بر تشکیل بنیاد جامعه و تقویت آن، اثرگذار است. کانون خانواده با تقسیم و تعریف نقش‌ها و مسئولیت‌ها، افراد را یاری می‌دهد تا در انجام وظایف خویش، موفق و کارآمد باشد و همزمان به سهولت ارتباطات اجتماعی یاری می‌رساند، زیرا فرزندان که در سایه تربیت والدین، ایفاگر مسئولیت‌های خانوادگی هستند، قادرند تا در محیط جامعه نیز

مسئولیت پذیر بوده و توانمندی و کارآمدی خود را در محیطی گسترده‌تر و پیچیده‌تر، بروز دهند، لذا تشکیل و تقویت بنیان خانواده، به ایجاد و توسعه نهادهای اجتماعی می‌انجامد.

وحدت و همبستگی اجتماعی، محصول خانواده‌ای منسجم و یکپارچه است، خانواده‌ای که از ابتدای دوران رشد فرزندان، آنها را به تدریج با وظایف‌شان در محیط زندگی آشنا کرده و هم‌زمان آنها را برای ورود به جامعه و ایفای نقش‌هایشان آماده می‌سازند.

در مقابل، می‌توان تصور کرد که غفلت خانواده‌ها از تربیت اجتماعی فرزندان، علاوه بر مسئولیت‌گریزی در کانون زندگی و سست شدن بنیان خانواده، موجب می‌شود که افرادی بی‌تفاوت و یا هنجارشکن به جامعه وارد شوند که نه تنها باری از دوش اجتماع بر نمی‌دارند، بلکه به عنوان یک چالش بزرگ در مقابل نیروهای اجتماعی قرار گیرند.

می‌توان در توضیح مطلب اظهار کرد که بینش صحیح و معقول خانواده‌ها به اجتماع، راهی را پیش روی فرزندان می‌گشاید که آنان نیز بتوانند با نگاهی مثبت‌گرا با نیروهای اجتماعی مواجه شده و در انجام مسئولیت‌های محوله، موفقیت لازم را کسب نموده و اعتماد نهادها و سازمان‌های تربیتی و اجتماعی نظیر مدرسه، دانشگاه، سازمان شغلی و سایر مراکز مربوطه را به کفایت اجتماعی‌شان جلب نمایند. بدیهی است خانواده‌هایی که بر اثر جهل و فقدان آموزش و تربیت صحیح، با نگاهی منفی‌گرا با جامعه مواجه شده و همین نگرش را به فرزندان‌شان منتقل می‌کنند، نسلی سرخورده، جامعه‌گریز و بی‌مسئولیت تحویل اجتماع می‌دهند. لذا نتیجه می‌گیریم که پایه و اساس جامعه سالم، خانواده‌ای است که آگاه، با درایت و رشید بوده و فرزندان را نه براساس هدف‌های شخصی و زودگذر بلکه بر مبنای اهداف اجتماعی و درازمدت تربیت کند.

۳ انتقال ارزش‌های فرهنگی

هر ملتی در کنار ویژگی‌هایی که موجب تمایز آن از سایر ملت‌ها می‌شود، دارای یک سلسله ارزش‌ها، سنت‌ها و باورهایی نیز هست که از آن به عنوان «فرهنگ» یاد می‌شود. فرهنگ در هر جامعه‌ای، نمایانگر وضعیت معنوی و اخلاقی آن جامعه است و تمدن، نمایانگر وضعیت مادی و زیستی آن به حساب می‌آید. با این توصیف مشخص می‌شود که سهم فرهنگ در توسعه و پیشرفت معنوی و اخلاقی قابل مقایسه با سهم تمدنی آن نیست. اگر چنین توصیفی قابل قبول باشد، در این صورت می‌توان گفت که خاستگاه فرهنگ، خانواده است.

به این معنا که ارزش‌های فرهنگی، جنبه اکتسابی داشته و از طریق تعلیم و تربیت آموخته می‌شود.

بر این اساس می‌توان گفت که اولین و مهم‌ترین نهادی که از طریق آن، ارزش‌های فرهنگی از نسلی به نسل دیگر آموخته می‌شود، خانواده است. زیرا نفوذ فرهنگی خانواده در فرزندان به گونه‌ای است که از اولین سال‌های تولد کودک به طرز چشمگیری تأثیرات خود را بر جای می‌نهد. احترام به بزرگ‌ترها، مسئولیت‌پذیری، نظم و انضباط، آشنایی با آموزه‌های دینی و التزام به آنها، نوع دوستی، حفظ سلامت محیط‌زیست و نظایر آنها، ارزش‌هایی هستند که فرزندان قبل از هر چیز، از والدین خود می‌آموزند و با مشاهده رفتار و عملکرد آنان، این ارزش‌ها تقویت می‌شود.

در توضیح مطلب می‌توان گفت کودک زمانی که به سن درک و تشخیص مسائل می‌رسد، تجربه‌ای در خصوص احترام به دیگران ندارد، ولی با مشاهده رفتار و احترام پدر و مادر به یکدیگر، آن را می‌آموزد. او همچنین از خصلت مردم‌داری چیزی نمی‌داند و با دیدن رفتار والدین که آمیخته به مردم‌داری و حسن معاشرت است، می‌آموزد که مردم‌دار باشد و با دیگران مدارا کند و در مورد سایر ارزش‌های فرهنگی نیز همین قاعده صادق است. از این‌رو، اگر نهادی به عنوان خانواده وجود نمی‌داشت، فرزندان، در موقعیتی قرار نمی‌گرفتند که بتوانند آن ارزش‌ها را بیاموزند و در نقطه مقابل نیز باید گفت نسلی که بد تربیت شده و از

فرهنگ و ارزش‌های آن به دور است، از متن خانواده‌هایی که فاقد فرهنگ مطلوب بوده‌اند، روییده و اگر تغییر و تحول مطلوبی نیابند، همچنان ارزش‌های ناپه‌نچار و فاقد اصالت را به نسل بعد از خود منتقل خواهند نمود.

۴ پاسخ به احتیاجات اساسی

یکی از وجوه تفاوت انسان و سایر موجودات، در کمیت و کیفیت احتیاجات اساسی اوست، نیازهای سایر موجودات از نظر کمی، محدود و از جهت کیفی بسیار متمایز از انسان‌هاست. به عنوان مثال انسان نیاز به ابراز وجود دارد و علاقه‌مند است که توانایی‌هایش را به دیگران بروز دهد و نظر آنان را به خود جلب نماید. و از این طریق، اعتماد به نفس بیشتری پیدا کند و یا اینکه تمایل به این دارد تا به خود شکوفایی برسد یا فراتر رفتن از فردیت خود، به کمال حقیقی برسد، درحالی‌که این نوع نیازها در حیوانات وجود ندارد.

بر این اساس، آدمی از زمان تولد، نیاز به محیطی گرم و افرادی باعاطفه و دلسوز و مسئولیت‌شناس دارد تا گوش به زنگ احتیاجات روحی و روانی او باشد و در برابر تهدیدها و خطرات از او محافظت نماید تا با عبور از این دوره کودکی، با سلامت و امنیت به دوران بعدی زندگی وارد شود و این مسئولیت‌ها و مراقبت‌ها همچنان ادامه پیدا می‌کند تا او به سن جوانی برسد و استقلال لازم برای زندگی‌اش را بیابد. ملاحظه می‌شود، تمامی این مسئولیت‌ها و وظایف یاد شده، از عهده کسانی برمی‌آید که از صمیم قلب به او عشق ورزند و همه زحمات و رنج‌های این راه طولانی را به جان خریدند و کودک را چون جان شیرین در آغوش پُر مهر و محبت خویش بپروراندند و این مهم فقط از دو انسان فداکار ساخته است که نام مقدس و زیبای آنان پدر و مادر است. بدیهی است انجام این همه خدمات و در مواردی فداکاری‌ها از عهده هیچ کس دیگری بر نمی‌آید و لذا به پاس این از خود گذشتگی‌ها و انسانیت‌هاست که واژه «خانواده» قداست می‌یابد و احسان به والدین در کنار عبادت خدا قرار می‌گیرد!

تقویت و تعالی خانواده

با روشن شدن برخی از ضرورت‌های تشکیل خانواده، اکنون مجال پرداختن به این موضوع فراهم می‌شود که آیا بنیان خانواده نیاز به تقویت و تعالی دارد یا خیر؟ و اگر پاسخ مثبت است، دلایل آن کدامند؟ برای بررسی پرسش مذکور، ابتدا یادآوری این مطلب ضروری است که خانواده یک سازمان زنده و حیاتی است و اگر به حال خود رها شود، مانند همهٔ سازمان‌ها، در معرض فرسایش قرار می‌گیرد و اگر تدبیری برای حفظ و نگهداری آن اتخاذ نشود، به تدریج از درون دچار استهلاک، خوردگی، ضعف و پژمردگی خواهد شد و در صورتی که برای شادابی، تحرک، پویایی و بهروزی آن، برنامه‌ریزی شود، می‌تواند به تعالی و تکامل برسد. برخی عوامل تأثیرگذار بر اعتلای خانواده عبارت‌اند از:

۱ آینده‌نگری

زنان و مردانی که با اقدام به ازدواج، گام در راه مشترکی می‌نهند و هدف ازدواج را رفاه و برخورداری می‌دانند، به تدریج و با رونق گرفتن اوضاع اقتصادی، احساس می‌کنند که ظاهراً به هدفشان رسیده‌اند و اگر سعادت را در همین بدانند، به ظاهر احساس خوشبختی می‌کنند ولی پس از گذشت زمان اندک، درمی‌یابند که نه تنها احساس خوشبختی واقعی ندارند بلکه در معرض سرخوردگی و درون تهی شدن قرار می‌گیرند، زیرا آنچه به زندگی انسان ارزش می‌بخشد، مادیات و رفاه نیست، بلکه چیزی غیر از آن است. در نقطهٔ مقابل، آن دسته از همسران جوانی که آرمان و هدف ازدواج را چیزی فراتر از مسائل مادی و رفاهی می‌دانند و با آینده‌نگری، درصدد رسیدن به اعتلای اخلاقی و معنوی هستند، هرگز در معرض روزمرگی واقع نمی‌شوند و در عین حال که برای رفاه و برخورداری اقتصادی می‌کوشند، آن را هدف غایی نمی‌دانند و تنها در حد یک زمینه و مقدمه برای رشد و بالندگی تلقی می‌کنند. بر این اساس می‌توان گفت که داشتن افق دید وسیع و پهنانگر بر کارکردهای زندگی مشترک اثرگذار است و برای برخورداری از آینده‌نگری، ضروری است که نوجوانان و جوانان از دریچهٔ مسئولیت‌ها به زندگی بنگرند و به نقش خود در این زمینه، جدی‌تر بیندیشند. یادآوری یک نکته خالی از لطف نیست که نفوذ برنامه‌های طنز و سرگرمی در زندگی نسل جوان، چنانچه بیش از حد اعتدال باشد، کمترین آسیب آن، جدی نگرفتن زندگی و مسائل مرتبط به آن است.

۲ برخورداری از بینش صحیح

از مهم‌ترین عوامل تعالی خانواده، داشتن نگاه و رویکرد خاصی به همسر و فرزند و فرایند زندگی مشترک است. آنهایی که همسر را ودیعه‌ای الهی و امانتی از جانب خداوند می‌دانند و فرزندان را مایهٔ روشنایی چشمان تلقی می‌کنند، هرگز در رفتار و مناسباتشان در خانواده، دچار افراط و تفریط نمی‌شوند و الگوی زندگی آنها، خانواده متعادل است. بر این اساس، همسر و فرزندان را در موفقیت‌هایشان سهیم و شریک می‌دانند و پیشرفت و تعالی آنان را پیشرفت و بالندگی خود تلقی می‌کنند و در تمام لحظات، در اندیشهٔ سعادت خانواده‌شان هستند. چنین بینشی موجب می‌شود که از ظرفیت‌های لازم برای خوشبختی بهره‌مند باشند. تحلیل این مسئله به رابطهٔ بین فکر و عمل مرتبط می‌شود. علمای اخلاق و نیز دانشمندان علم‌النفس، معتقدند که انسان اگر به طور مستمر و مداوم به چیزی بیندیشد، ناگزیر آن را جامه عمل خواهد پوشاند. مثلاً کسانی که دائماً به نیکی‌ها و زیبایی‌ها فکر می‌کنند پس از مدت زمانی، آن را به عمل درمی‌آورند و در مقابل، کسانی که همیشه به بدی‌ها و زشتی‌ها و امور خلاف اخلاق می‌اندیشند، در عمل نیز به همان مسائل، لغزش

پیدا می‌کنند، لذا زمانی که فرد براساس بینش الهی، باور پیدا می‌کند که خانواده، امانتی از جانب اوست، چنین باوری در عمل منجر به عملکرد مطلوب و سازنده‌ای در قبال همسر و فرزندانش خواهد شد. در میان قشرهای مختلف زن و مرد، برخی افراد نیز یافت می‌شوند که بینش معیوبی به همسر و فرزند داشته و دارند و آنها را به عنوان امانت‌های الهی در نظر نمی‌گیرند، بلکه نگاهی تحقیرآمیز به آنان داشته و آنها را فقط افرادی برای خدمت به خود می‌دانند و لذا در وادی عمل نیز، رفتار مناسب و شایسته‌ای با آنان ندارند و در نتیجه از الگوی خانواده مطلوبی، تبعیت نمی‌کنند و ادامه چنین روندی نه تنها به سعادت خانواده منجر نمی‌شود بلکه زمینه بدبختی آنان را نیز در مواردی مهیا می‌نماید.

در این راستا سخن امام علی علیه السلام، مؤیدی بر این مطلب است، ایشان در بخشی از نامه به فرزندشان امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرمایند: «و لا یکن اهلک اشقی الخلق بک^۱»؛ یعنی، مبدا خانواده‌ات به سبب تو بدبخت‌ترین خلق باشند.

از این سخن چند نکته قابل برداشت است که عمدتاً عبارت‌اند از:

- جهل و ناآگاهی انسان، موجب شقاوت و بدبختی خانواده می‌شود.
- میان بدبختی انسان و خانواده‌اش، مرز جدایی وجود ندارد، لذا اگر فردی، خانواده‌اش را با رفتار خویش بدبخت کند، در حقیقت بدبختی خود را رقم زده است.
- آنچه خانواده و خود انسان را بدبخت می‌کند، عملکرد مبتنی بر جهل و ناآگاهی است، لذا دو رکن اساسی برای رهایی از شقاوت، دانش زندگی و عمل بر اساس آن است.
- شقاوت و سعادت انسان و خانواده، امری است که وابسته به اراده و نوع انتخاب فرد است و به عبارت دیگر بدبختی و خوشبختی وابسته به ذات آدمی، بخت و اقبال و امثال اینها نیست، بلکه امری اکتسابی است و نتیجه و حاصل عمل خود انسان‌هاست. حال که انسان مختار است که سعادت و یا شقاوت را برگزیند، چه مانعی دارد که سعادت را کنار می‌نهد و شقاوت را انتخاب می‌کند؟ حتی اگر وی برای خود، خواهان سعادت نیست، خانواده‌اش این حق را دارند که از خوشبختی بی‌نصیب نمانند.

۲ پذیرش مسئولیت‌های جدید

هر مرحله از زندگی انسان، مسئولیت‌های جدیدی را با خود به همراه می‌آورد. تشکیل خانواده به عنوان یک مرحله تعیین‌کننده در عمر آدمی، تعریف‌کننده وظایف نوینی است که هر یک از دختر و پسرها باید بپذیرند تا این مسیر طولانی را با موفقیت سپری کنند. قوام خانواده بستگی به این دارد که هر یک از زن و مرد با مسئولیت‌های جدیدشان به خوبی آشنا شوند و با تمام وجود در انجام آنها بکوشند تا نهاد نوپای خانواده در سایه تلاش‌های آنان شکوفا شود و شاهد به بار نشستن زحمات خویش باشند.

در چنین صورتی می‌توان انتظار داشت که پس از گذشت سال‌های اولیه زندگی مشترک، به تدریج، رو به سوی تعالی و بالندگی حرکت کنند و هر یک از زوجین، علاوه بر خودسازی، برای رشد همسرش، گام‌های مؤثری بردارد تا او نیز تحول مطلوبی پیدا کند و در نتیجه مجموعه زندگی مشترک، روندی استکمالی داشته باشد. چنانچه با آغاز زندگی مشترک، هر یک از زوجین از مسئولیت‌های خود و یا قسمتی از آنها، عقب‌نشینی کرده و از زیر بار وظایف خود به طور کلی و یا جزئی‌شانه خالی کنند، در آن صورت مواجه با چالش‌هایی خواهند شد

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱، بند ۱۰۳

که برای برطرف کردن و فائق آمدن بر آنها ناگزیرند نیروی انسانی و فرصت‌های زیادی را هزینه کنند تا زندگی به مرحله تعادل و توازن برسد و بر این اساس دیگر مجالی برای خودسازی و به کمال رساندن زندگی نخواهند یافت. نکته‌ای که یادآوری آن ضرورت دارد، این است که برای داشتن خانواده‌ای متعالی، گاهی لازم می‌شود که انسان از علائق، خواسته‌ها و تمنیات خود چشم‌پوشی کند و در اندیشه همسر و فرزنداناش باشد که آنها چه انتظاراتی دارند. انتظارات معقول و منطقی - و اگر برای پاسخگویی و تأمین انتظارات آنان، لازم است که فرد از خودگذشتگی نماید و با نادیده گرفتن بخشی از خواسته‌های شخصی، خانواده‌اش را دریابد و با رسیدگی به شرایط و نیازهای آنانی که با او زندگی می‌کنند، خانواده خود را از برخی مشکلات نجات دهد. خودشکوفایی و تعالی زندگی، دقیقاً در چنین بستری شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند.

۴ معنویت

معنویت واژه‌ای است که از معنا گرفته شده و به دو منظور به کار می‌رود، ابتدا برای نامیدن پدیده یا موضوعی که از نوعی قداست و ارزش معنوی برخوردار باشد، استفاده می‌شود نظیر ایثار و فداکاری و دوم به جریان یا چیزی که دارای هدف و مقصد مشخصی باشد، نسبت داده می‌شود. با این مقدمه باید گفت که معنویت افراد تابع رویکرد آنها به زندگی و جهان است. رویکرد انسان‌ها به جهان هستی غالباً ذیل یکی از این دو دسته قرار می‌گیرد: دسته‌ای مادی‌گرا هستند و باور آنها این است که تمامی پدیده‌ها و موجودات حاصل یک اتفاق و تصادف ساده‌اند و معتقدند که جهان فاقد مدیر و مدبری به نام پروردگار است و به سوی هدف خاصی پیش نمی‌رود. در دیدگاه مادی‌گرایان دستگاه عظیم جهان هستی، چیزی جز دنیای مکانیکی و منحصر در پدیده‌های طبیعی نیست و فراتر از چنین دنیایی، چیزی به نام سرای آخرت وجود ندارد و لذا وجهه همت آنان، در لذت بردن از دنیا و غرق شدن در خوشی‌ها و سرگرمی‌هاست. بدیهی است در میان این عده از انسان‌ها، معنویت، مفهومی نداشته و جایی در زندگی‌شان پیدا نمی‌کند.

دسته دوم انسان‌هایی هستند که معتقدند جهان خالقی مدیر و مدبر دارد و بشر را به سوی راهی روشن هدایت می‌کند و برای به کمال رساندن او همه امکانات و شرایط را مهیا نموده است.

او (خالق) دنیا را زمینه و مقدمه‌ای برای سرای آخرت قرار داده است و از او خواسته تا از نعمت‌ها و موهبت‌های دنیا به طور مشروط و معقول استفاده نماید ولی آن را هدف خویش قرار ندهد، بلکه آن را زمینه و وسیله‌ای برای جهان آخرت در نظر گیرد، جهان آخرتی که برای همیشه در آنجا به سر خواهد برد و با این طرز تلقی رابطه انسان با دنیا و آخرت، به گونه‌ای تنظیم می‌شود که براساس آن، انسان برخوردار از معنویت: از دنیا و نعمت‌های آن رو برنمی‌تابد، بلکه به اندازه معینی از آن بهره می‌گیرد و با احساس شکر و قدردانی به درگاه الهی، درهای جدیدی از موهبت‌ها را به روی خود باز می‌کند.

او با داشتن رویکردی معنوی به زندگی، برای دیگران نیز اندیشه‌ها و افکاری خیرخواهانه داشته و در حد توان خود، سعی در تأمین نیازمندی‌هایشان نموده و خوشحالی و سعادت آنان را، خوشبختی خود تلقی می‌کند.

او در مواردی که میان برخورداری خود و دیگران، ناگزیر به انتخاب یکی از آن دو باشد، دیگران را بر خود ترجیح داده و به معنای واقعی کلمه «ایثار» می‌کند. به عبارت دیگر به بهای محرومیت خویش، سایرین را بهره‌مند می‌سازد و در نتیجه، نوعی بهجت و نشاط باطنی احساس می‌کند.

انسان معنوی به خاطر داشتن ارتباط خوب و مستمر با خداوند، در هر لحظه از زندگی او را حاضر و ناظر بر خود و اعمالش می‌داند و لذا در همه مناسبات فردی، خانوادگی و اجتماعی، مراقب است تا رفتاری

مطابق با رضای الهی داشته باشد و بر این اساس در تعامل با اجتماع، صحیح عمل می‌کند تا مورد قبول خدای تعالی قرار گیرد.

زندگی در دنیا برای انسان معنوی با انسان مادی، از تفاوت‌های زیادی برخوردار است که از مهم‌ترین آنها، احساس برآمده از زندگی برای هر یک از آنهاست. انسان معنوی، از اینکه در دنیایی زندگی می‌کند که خالق حکیم و مشفق، آن را اداره می‌کند، احساس امنیت، آرامش و نشاط دارد، زیرا می‌داند همه امور زندگی از خرد و کلان به دست آفریدگاری است که جز خیر و خوبی برای بندگان نمی‌خواهد و الطاف بی‌پایانش همه افق هستی را دربرگرفته است. زندگی در چنین دنیایی، دارای طعم متفاوتی با آنچه انسان مادی احساس می‌کند، است.

انسان معنوی در همه امور فردی، خانوادگی و اجتماعی براساس موازین و معیارهایی عمل می‌کند که آموزه‌های دینی برای افراد ترسیم کرده است و باور به این حقیقت که خدای تعالی، پیوسته ناظر اعمالش است، در چارچوبی عمل می‌کند که نزد خالق خود، سربلند و آبرومند باشد. در این صورت انسان معنوی اولاً به خود، ظلم و ستم روا نمی‌دارد، زیرا از حقوق خویش نسبت به تمامی نعمات فردی آگاه بوده و در حد توان آنها را ادا می‌کند. ثانیاً به حقوق متقابل خود و خانواده نیز آشناست و مجدانه سعی می‌کند تا وظایفش را نسبت به همسر و فرزندان ایفا نماید. بنابراین در تعامل با خانواده، اجحاف روا نمی‌دارد. در نتیجه چنین رفتاری با همسر و فرزندان، زمینه دلگرمی و دلبستگی آنان فراهم شده و با رفع نگرانی‌ها و دغدغه‌های موجود، مقدمات تقویت و تعالی خانواده مهیا می‌گردد. زیرا بیشترین کشمکش‌ها و چالش‌های خانوادگی، زمانی سر برمی‌آورد که حقی ضایع شود و یا حرمتی نادیده گرفته شود و هرگاه زن و مرد در چارچوب خانواده، بکوشند تا حقوق متقابل همسران را به درستی بشناسند و آنها را کامل ادا نمایند، روابط بین آنان به بالاترین سطح خود ارتقا پیدا می‌کند و علاوه بر آن، در روابط والدین و فرزندان نیز، شناخت و رعایت حقوق متقابل، موجب همزیستی مسالمت‌آمیز آنان می‌شود و جایی برای نگرانی هر کدام از آنان از حیث تبعیض و اجحاف باقی نخواهد ماند و مجموع روابط و مناسبات به سمت و سوی خانواده پایدار و بالنده هدایت خواهد شد.

در مقابل، می‌توان تصور کرد که انسان مادی به جهت عدم اعتقاد به خداوند، به گونه‌ای زندگی می‌کند که خود را در مقابل قدرتی مافوق (خدا) مسئول نمی‌داند و لذا چنانچه به خود و یا دیگری، ستم ورزد، نیاز به پاسخگویی در برابر خدا، احساس نمی‌کند و در صورتی که با تنگناهای پیچیده‌ای در زندگی مواجه شود، کسی را ندارد که به او پناه برده و از او برای حل مشکلاتش یاری جوید، زیرا معتقد نیست که خداوند مقتدر و حکیم، پناهگاه اطمینان‌بخشی برای انسان در فراز و نشیب‌های زندگی است و لذا یکه و تنها در برابر امواج حوادث، چون پَرّ کاهی است که دستخوش موج‌های سهمگین دریا شده باشد.

نکته‌ای که یادآوری آن ضروری است، تشخیص معنویت اصیل و حقیقی از معنویت‌های کاذب و غیر حقیقی است، زیرا با توجه به روی آوردن نسل جوان به ارتباط با عالم معنا و گرایش آنان به عشق و پرستش، برخی عرفان‌های کاذب و معنویات خود ساخته درصدد جذب جوانان هستند. اگرچه تمیز و تشخیص این نوع معنویت‌ها، امری پیچیده بوده و نیاز به آگاهی زیادی دارد و در حیطه کارشناسان معارف دینی است ولی توجه به یک معیار و ضابطه می‌تواند به نسل جوان یاری رساند تا گرفتار معنویت‌ها و عرفان‌های کاذب نشود. این معیار مبتنی بر ارتباط مستقیم و بی‌واسطه با خدا بوده و نماز تجلی چنین رابطه‌ای است و دو رکن مهم قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان راهنمایان حقیقی، می‌توانند سالک و جویای معنویت حقیقی را به مقصد اصلی هدایت کنند و جوانان در عصر غیبت امام زمان (عج)، با التزام به تبعیت از مراجع تقلید

که نایبان عام حضرت ولی عصر (عج) هستند، می‌توانند به معنویت راستین و اصیل دست یابند. لذا هر فرد یا مکتبی که نسل جوان را به عرفان و معنویت دعوت کند ولی بر معیارهای مذکور در بالا مبتنی نباشد، قابل اطمینان نیست و شایستگی دل بستگی و تبعیت ندارد. نتیجه‌ای که از این مطالب به دست می‌آید این است که اگر همسران جوان از همان ابتدای ازدواج بنای زندگی مشترکشان را بر ارتباط با خدا و تبعیت از اهل بیت علیهم‌السلام، استوار سازند و قرآن کریم راهنمای آنان باشد و در طول زندگی، این رابطه را غنی‌تر و گسترده‌تر سازند، علاوه بر تقویت و تعالی کانون زندگیشان، می‌توانند الگویی برای سایر زوج‌های جوان نیز قرار گیرند.

معنویت حقیقی که بر پایه دین استوار است، قادر است آدمی را از جاذبه تفتن و روزمرگی، رها کرده و او را به جاذبه‌های متعالی سوق دهد. داشتن چنین جاذبه‌هایی، افق زندگی را برای انسان تغییر می‌دهد و دیدگاهی جدید برای او می‌آفریند که در پرتو آن، از حدود و مرزهای خواهش‌های حقیر زندگی خلاصی یابد و دل به جاذبه‌های معنوی بندد که پایانی ندارد ولی به هر مرحله که برسد، مرتبه‌ای از مراتب کمال را درمی‌یابد و همچنان چشم‌انتظار دستیابی به مراحل بالاتر خواهد بود.

ملاحظات تربیتی و اخلاقی قبل از تشکیل خانواده

برای داشتن ازدواجی سالم و موفق، از تدابیر زیادی باید بهره گرفت؛ زیرا انسان در این مرحله به یکی از مهم‌ترین و طولانی‌ترین انتخاب‌هایش دست می‌زند و از جهت عقلانی لازم است با بررسی جوانب مختلف، به این مرحله گام نهد.

برخی از عوامل مهمی که رعایت آنها در این مرحله به نوجوانان و جوانان توصیه می‌شود عبارت‌اند از:

۱. حفظ پاکدامنی و عفاف

از ویژگی‌هایی که نه تنها در این مرحله بلکه در تمامی دوران زندگی، برای انسان ضرورت دارد، مراقبت از سلامت اخلاقی خویشتن و پرهیز از عواملی است که پاکدامنی و عفاف دختران و پسران را تهدید می‌کند و هر عاملی که او را به زشتی و بدی به ویژه آلوده شدن دامن می‌کشد، حفظ نماید. بر این اساس عفاف، اختصاص به دختران و زنان ندارد بلکه شامل پسران و مردان نیز می‌شود.

در تعریف عفت، راغب اصفهانی می‌گوید: «عفت، دست یافتن به حالتی در نفس [آدمی] است که بدان وسیله از غلبه شهوت بر [آدمی] جلوگیری می‌کند.^۱» او همچنین می‌نویسد: «اصل عفت جلوگیری دل از علاقه به شهوات بدنی و اعتقاد به چیزی است که سبب جور و عدوان می‌شود و کمال آن، جلوگیری اعضاء و جوارح است.^۲»

در همین راستا می‌تواند به ظرفیت‌های آدمی در زمینه گرایش به پاکی و نیکی اشاره کرد به این معنا که انسان با فطرتی پاک متولد می‌شود و چنانچه تا دوران بلوغ و آستانه ازدواج، پاک‌ی اخلاق خود را حفظ کند و با پاکدامنی به مرحله تشکیل خانواده گام نهد، زمینه سعادت و خوشبختی خود و همسرش را مهیا می‌نماید، زیرا هیچ عاملی همچون پاکدامنی دختران و پسران در ازدواج موفق و زندگی پایدار تأثیرگذار نیست.

جوانانی که به توفیق الهی و بهره‌گیری از اراده و مراقبت‌های اخلاقی، زندگی مشترکشان را آغاز می‌کنند،

۱. «العفه حصول حاله النفس تمتنع بها عن غلبه الشهوة»، المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۳۹

۲. همانجا

علاوه بر اینکه مورد عنایت ویژه پروردگارانند و اوامر او را گردن نهاده‌اند، از سرمایه بزرگی برخوردارند و آن اعتماد متقابل است، زیرا قلب‌هایی که به یاد خدایند و با او رابطه‌ای براساس عبادت و بندگی دارند، شریک زندگی‌شان را هم به خاطر خداوند دوست دارند و در کلام و نگاهشان، صداقت و معصومیت موج می‌زند و بر این اساس، به سهولت اعتماد همسرشان را جلب نموده و متقابلاً به او نیز اعتماد پیدا می‌کنند و لذا در چنین زندگی‌هایی، ابرهای سیاه شک و بدگمانی بر روابط آنان سایه نمی‌افکند.

در نقطه مقابل، آن دسته از جوانانی که با ارتکاب برخی خطاها و گناهان، فطرتشان را غبارآلود می‌کنند و راه توبه و استغفار را در پیش نمی‌گیرند و کارهای شایسته و اعمال صالحی انجام نمی‌دهند تا کفاره گناهانشان باشد و با چنین وضعی ازدواج می‌کنند، از یک نوع احساس بد و نامطبوعی در درونشان رنج می‌برند و یادآوری آن گناهان، قلبشان را تاریک و اندوهگین می‌کند و در نتیجه قادر نیستند با همه ظرفیت روحی و احساسی خویش با همسرانشان تبادل عاطفی داشته باشند و عشق و محبتشان را نثار کنند، مگر اینکه از گذشته خویش و در خلوت با خدا، توبه کرده و عزم بر ترک گناه برای همیشه نمایند که در این صورت خداوند، آمرزنده و مهربان و توبه‌پذیر است، به ویژه خدای تعالی به جوان توبه‌کار، نظر رحمت داشته و دارد و توبه او را زودتر می‌پذیرد. ولی برتر از همه حالات، این است که آدمی مرتکب گناه نشود و قلبی را که حرم الهی است آلوده به خطا ننماید و سلامت اخلاقی‌اش را در همه حالات حفظ نماید.

۲ پرهیز از عادات ناپسند

عوامل نامطلوبی بر فرایند ازدواج تأثیر سویی دارد، که باید با مطالعه و آگاهی، هر نوجوان و جوان خود را مدیریت کند و به سلامت از آن پیشگیری نماید. این عوامل از دو جهت حائز اهمیت است: اولاً از جهت تأثیر بر فرد باید بررسی شود و ثانیاً از جهت تأثیر بر فرایند ازدواج قابل تأمل است.

شیوه‌های رهایی از عادات ناپسند

الف) توبه (بازگشت به خدا)

در آغاز باید به این نکته توجه کرد که اگر نوجوان یا جوانی که مبتلا به عادات ناپسند و گناه‌آلود شده است، مصمم به ترک آن باشد، ابتدا باید به درگاه خدای تعالی توبه و استغفار نموده و از او خالصانه بخواهد که اشتباهات و خطاهای گذشته او را ببخشد و مطمئن باشد که توبه او مورد قبول درگاه الهی قرار می‌گیرد و هرگز به این موضوع فکر نکند که شاید مورد بخشش خدا قرار نگرفته باشد، زیرا ناامیدی از بخشش الهی، گناه محسوب می‌شود و با امیدواری از اینکه در پیشگاه پروردگار مورد آمرزش قرار گرفته است، اقداماتی را که لازم به نظر می‌رسد انجام دهد. در این زمینه به بیان دو روایت از پیامبر اکرم ﷺ اکتفا می‌کنیم:

مورد اول: محبوب‌تر از هر چیز نزد خداوند جوانی است که از گناه توبه می‌کند و از پیشگاه الهی، طلب آمرزش می‌نماید.^۱

مورد دوم: توبه از گناه، همیشه پسندیده است ولی در جوانی بهتر و پسندیده‌تر است.^۲

۱. الحدیث (روایات تربیتی)، ج ۱، ص ۲۳۲

۲. همان، ص ۳۱-۳۲

حضرت علی علیه السلام نیز فرمودند: به خداوند آنچه‌ان امیدوار باش که اگر با گناهان اهل زمین در پیشگاه او حاضر شوی، تو را ببخشد.^۱

ب) پرهیز از اقرار به گناه [نزد دیگران]

نکته قابل توجه در این زمینه پرهیز از اعتراف نزد دیگران است با این توضیح که به همان اندازه که توبه به درگاه الهی پسندیده و مطلوب است، اقرار به گناه نزد دیگران ناپسند و مذموم است، زیرا موجب ترویج گناه و عادی شدن آن در سطح جامعه می‌شود.

هر شخص از اعتراف و اقرار به گناه نزد دیگران حتی نزدیک‌ترین و صمیمی‌ترین افراد باید خودداری کند، زیرا با توجه به درگاه الهی، دیگر نیازی به این امر نیست. اقرار به گناه، آبروی او را خدشه دار نموده و زشتی عمل را از میان می‌برد. چه بسا آن کسی که امروز نزدش اعتراف به گناه می‌کند، بعدها از این مسئله علیه خود او استفاده کرده و با آبروی او بازی کند.

ج) کار مداوم و سودمند

بیشتر عادات ناپسند دوران بلوغ، غالباً نتیجه بی‌کاری و بی‌برنامگی نوجوان و جوان است. ادامه چنین وضعی نوجوان را به مسائلی سوق می‌دهد که سر از عادات ناپسند درمی‌آورد. در کلام یکی از بزرگان دین آمده است که «اگر آدمی نفس خود را به کاری مشغول نکند، نفس او را به کاری وامی‌دارد» و معنای سخن این است که بی‌کاری و نداشتن برنامه، انسان را در مسیر خواسته‌های هوای نفس، برمی‌انگیزد.

در مقابل، باید به کار و فعالیت اشاره کرد که انرژی جوانان را در مسیر درستی هدایت می‌کند. جوانانی که سخت کار می‌کنند چه بسا دچار خستگی جسمی و فیزیکی شوند ولی از نظر روحی و روانی، احساس آرامش و رضایت خاطر می‌کنند، زیرا مَفَرّی برای خروج انرژی‌ها و توانایی‌های خود پیدا کرده و از اینکه مهارت کاری و شغلی به دست می‌آورند، اعتماد به نفس بیشتری خواهند داشت.

شاید بتوان گفت که «کار مداوم»، «زندگی سالم» را در پی دارد. یکی از حکما بر این عقیده بود:

«انسان‌های خوشبخت، آنهایی نیستند که پیوسته به خوشبختی یا رهایی از بدبختی فکر کنند، بلکه خوشبخت‌ها آنهایی هستند که پیوسته سرگرم کار و فعالیت در مسیر مطلوبی هستند و فرصت فکر کردن به خوشبختی را پیدا نمی‌کنند.^۲»

و به گفته برخی افراد موفق، کسی که خود را وقف کار و تلاش کرده، هیچ‌گاه شکست نمی‌خورد، یکی از این افراد که به خاطر کار مداوم در عرصه صنعت تولید خودرو، موفقیت درخشانی کسب کرده «کیم ووچونگ» مدیر و مؤسس کمپانی دوو است. او در بخشی از کتابش می‌نویسد:

«این باور من است که موفقیت شما زمانی تضمین شده است که خود را وقف کار و تلاش کنید، چنین شخصی هیچ‌گاه شکست نمی‌خورد. مردم می‌گویند چگونه شخصی مثل من که تمام فکرش معطوف کار است، می‌تواند از زندگی لذت ببرد. این افراد احتمالاً قادر به درک این موضوع نیستند که من چرا به جای تفریح خود را تنها وقف کار کرده‌ام.

۱. همانجا

۲. دنیای نوجوان، ص ۲۳

اعمال و رفتارهای نابهنجار تنها زائیده فکر افرادی است که در زندگی هیچ‌گاه نتوانسته‌اند لذت واقعی کار کردن را بچشند، افرادی که هیچ‌گاه نتوانسته‌اند زیبایی غرق شدن در کاری را تصور کنند و یا افرادی که نتوانسته‌اند حس زیبایی رسیدن به هدفی که برای آن سخت تلاش کرده‌اند را درک کنند.^۱»
او در ادامه مطلب می‌نویسد:
«من هرگز دیر به سرکار نرفتم و هرگز مرخصی نگرفتم، این کار و موفقیت در انجام آن بود که به من لذت غیرقابل‌وصفی می‌داد.^۲»

د) گسترش دایره ارتباطات

برخی از نوجوانان و جوانانی که مبتلا به گناه و عادات ناپسند می‌شوند، کسانی هستند که در زمینه ارتباط انسانی با دیگران دچار مشکل‌اند و روابط موجود میان آنها و اطرافیان، در موارد قابل توجهی روابط سالم و مطلوبی نیست. برخی از آنان روابط خود را به حداقل کاهش داده و به انزوا گراییده‌اند و پاره‌ای دیگر به وابستگی‌های عاطفی و افراطی کشیده شده‌اند. ارتباطات انسانی مطلوب علاوه بر تقویت قدرت روح و روان آدمی، تجربیات اجتماعی او را نیز افزایش داده و زمینه رشد خودباوری او را فراهم می‌سازد.

ه) تقویت اراده

یکی از عواملی که در ترک گناه و عادات ناپسند اثرگذار است، تقویت نیروی اراده است. شاید برخی نوجوانان و جوانان چنین تصور کنند که دیگر اراده‌ای برایشان باقی نمانده تا بتوانند گناه و عادات ناپسند را ترک کنند ولی واقعیت امر، غیر از این است. زیرا حتی در بدترین حالات، اراده انسانی به کلی زایل نمی‌شود.
یکی از صاحب‌نظران به نام «پل ژاگو» در زمینه اراده می‌نویسد:

«وقتی بخواهیم با عادت زشتی مبارزه کنیم، ابتدا باید نتایج نامطلوب (وخیم) آن را در نظر مجسم کنیم و بعد منافعی را که در نتیجه ترک آن عاید می‌شود، در روح خود تصور کنیم و سپس زمان‌ها و هزینه‌های مختلفی را که از خود و دیگران، قربانی آن عادت کرده‌ایم را به خاطر آوریم. در نتیجه لذت ترک آن را در خود احساس می‌کنیم.

به‌طور کلی، متمرکز ساختن فکر در کاری که می‌خواهیم برای اجرای آن، فردا صبح در فلان ساعت بیدار شویم، کافی است. برای آخرین بار تکرار می‌کنیم که کوچک‌ترین تلاش برای تلقین به نفس، اثر بادوامی در روح ما خواهد گذاشت و در عرصه روح ما هیچ‌چیز بی‌اثر نخواهد بود و کوشش امروز، فتح و پیروزی فردا را در پی خواهد داشت.^۳»

این بخش را می‌توان با قطعه ادبی زیر به پایان برد، قطعه‌ای که برای پرورش اراده نوجوانان و جوانان تنظیم شده است.

«در روی امواج تیره
خورشید را به چنگ آورید، ننالید

۱. سنگفرش هر خیابان از طلاست، ص ۴۹-۵۰

۲. همان، ص ۵۲

۳. قدرت اراده، ص ۸۰-۸۱

زندگی دریای پرتوفانی است که در هر جایی ممکن است با امواج آن روبه‌رو شد. امواج را بشکافید عبور کنید، نایستید. جزر و مد را پشت سر بگذارید. در ساحل دیگر، آفتاب زیبایی خواهید دید. از سعادت‌ها بحث کنید، دنیا به قدری پُراندوه است که هیچ احتیاجی به نگهداری غم خود ندارید. هیچ راهی به کلی سخت و صعب‌العبور نیست. به جنبه‌های درست و روشن نگاه کنید. روحتان بر اثر ناخوشنودی و اندوه خسته است. برای استراحت از دوستی‌ها و روشنی‌ها بحث کنید.^۱»

و) ورزش و تربیت بدنی

برخی از شیوه‌های پیشنهادی در این زمینه، هم در پیشگیری از عادات ناپسند نقش دارند و هم در تدابیر درمانی حضور می‌یابند. ورزش و تربیت بدنی از آن جمله است. فعالیت‌های سالم ورزشی، نه تنها در تعادل بخشیدن به جسم و روح تأثیر دارند، بلکه همراه خود صفاتی از قبیل جوانمردی، آزادگی و پاکی را می‌آورند. معمولاً در بین ورزشکاران نوجوان و جوان، موارد کمتری از عادات ناپسند گزارش شده است، زیرا ورزش، انرژی‌های متراکم و سرگردان را در مسیر سالم و جامعه‌پسند جاری ساخته و هدایت می‌کند. تأثیر دیگر ورزش را در پایمردی و استقامت نوجوانان در برابر مشکلات باید ذکر کرد، به‌ویژه کوهنوردی در محیطی سالم و دور از عوامل محرک و ناسالم، توصیه می‌شود. کوهنوردی نه تنها مینیاتوری از یک زندگی واقعی با فراز و نشیب‌هایش، صعوبت‌ها و خطرات آن تلقی می‌شود، بلکه بر سر سختی و مقاومت نوجوانان در برابر کشش و جاذبه گناهان می‌افزاید و آنان را پر قدرت‌تر از همیشه به زندگی سالم خو می‌دهد. علاوه بر عوامل فوق، ورزش‌های سالم، نوجوان را برای یک زندگی آرام و بی‌درنگ، مهیا می‌کند.^۲

ز) تقویت احساس حضور

از عوامل مهمی که می‌تواند نوجوان و جوان را برای ترک عادات ناپسند، یاری دهد، داشتن بینشی است که بر اساس آن باور کند که تمام جهان هستی، تجلی‌گاه انوار الهی است و هر چه هست از مبدأ نورالانوار (خدای متعال) سرچشمه می‌گیرد و هیچ مکان و مأمنی را نمی‌توان سراغ گرفت که از حضور پر فیض پروردگار خالی باشد.

۱. پیروزی فکر، ص ۸۰
۲. دنیای نوجوان، ص ۲۶۲

به عبارت دیگر ما در هر حال و وضعی که باشیم، خداوند متعال ما را می‌بیند^۱ و بر عمل ما، نظارت و احاطه دارد. در راستای همین بینش است که امام راحل (ره) فرمودند: «عالم محضر خداست، در محضر خدا معصیت نکنید.» برای کامل شدن مطلب به بیان یک حدیث می‌پردازیم:

«مردی به حضرت امام حسین علیه السلام نامه‌ای نوشت و در آن یادآور شد که من فردی هستم که قدرت مقاومت در برابر گناه ندارم، چه کنم؟

امام علیه السلام در پاسخ نامه نوشتند: پنج کار را انجام بده و هر گناهی می‌خواهی بکن. اول اینکه: اگر خواستی گناه کنی، در جایی این کار را انجام ده که خداوند تو را نبیند. دوم: از قلمرو حکومت خداوند بیرون رو و هر گناهی می‌خواهی بکن. سوم: از روزی خداوند مخور و هر گناهی می‌خواهی بکن. چهارم: هنگام مردن اگر فرشته مرگ خواست، جانت را بگیرد، تسلیم مشو، و هر گناهی می‌خواهی بکن. پنجم: در قیامت اگر مالک دوزخ خواست تو را در آتش جهنم افکند، از ورود در آتش خودداری نما و هر گناهی می‌خواهی بکن^۲».

آن مرد وقتی جواب نامه‌اش را خواند، فکر کرد و متوجه شد که هر زمان بخواهد مرتکب گناه شود، خداوند او را می‌بیند حتی در خلوت‌ترین خلوت‌ها، خدای تعالی بر او و اعمالش نظاره می‌کند، پس نمی‌تواند گناه کند. او اندیشید که در هر مکانی بخواهد مرتکب گناه شود، آن مکان در قلمرو حکومت خداست و جایی از ملک خدا محسوب می‌شود، پس امکان گناه وجود ندارد. سپس کمی فکر کرد و فهمید هرچه از نعمت‌های روی زمین برای خوراکش تهیه کند، روزی خداوند است که به او رسیده است، لذا قادر به گناه نخواهد بود. او باز هم کمی تعقل کرد و دریافت که اگر زمان مرگش فرا رسد، نمی‌تواند در برابر ملک‌الموت، ایستادگی کند، بنابراین چگونه قادر است گناه کند و بالاخره به خوبی دریافت که در قیامت، اگر به خاطر اعمال بدش، بخواهند او را وارد آتش جهنم کنند، چگونه می‌تواند مقاومت کند؟ لذا فهمید که نباید گناه کند.

۲ دوستی‌های سالم و پاک

انسان موجودی است که ذاتاً گرایش به حضور در میان جمعیت‌ها و گروه‌ها را دارد و واقعیت زندگی او نیز به گونه‌ای است که به تنهایی قادر به تأمین نیازها و خواسته‌هایش نیست و با حضور در جامعه و برقراری ارتباط مناسب می‌تواند زندگی را مدیریت کند و لذا براساس نظریه جامعه‌شناسان، انسان مدنی الطبع است و تعامل موفق میان فرد و جامعه، می‌تواند به شکوفایی فرد و توسعه جامعه پایدار بینجامد.

تمایل جدی نوجوانان و جوانان به دوست و هم‌صحبت نیز در همین راستا معنا می‌یابد، آنها علاوه بر گرایش به اجتماع، همچنین علاقمندند که فرصتی برای ابراز وجود بیابند، زیرا موقعیت‌هایی که به آنان یاری می‌رساند تا بتوانند ابراز وجود نمایند، به آنان اعتماد به نفس بیشتری می‌بخشد. لذا مهم‌ترین مسئله‌ای که در این زمینه قابل تأمل است، معیارها و میزان‌های انتخاب دوست می‌باشد. دوستی‌هایی که با شناخت و آگاهی همراه است. اگر ملاک انتخاب نوجوانان و جوانان، پاکی اخلاق، صداقت و معنویت باشد، می‌تواند زمینه رشد و تعالی آنان را فراهم آورد، نظیر دوستی‌هایی که در محیط مدرسه شکل می‌گیرد و سالیان دراز، استمرار و تداوم می‌یابد و در مراحل مختلف زندگی نظیر انتخاب همسر، اشتغال و نظایر آنها می‌تواند انسان را یاری کند.

۱. «قل عملو فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون» (توبه: ۱۰۵) و نیز آیه شریفه «الم یعلم بان الله یری» (علق: ۱۴)

۲. لمعات الحسین (ع)، آیت‌الله سیدمحمدحسین حسینی تهرانی

در نقطهٔ مقابل، دوستی‌هایی که مبتنی بر شناخت و آگاهی نبوده و صرفاً بر اساس عواطف و احساسات زودگذر شکل می‌گیرد و معیار و میزان صحیحی در جریان تشکیل آنها در کار نیست، می‌تواند تأثیرات مخرب و نامطلوبی را برای سالیان سال دربر داشته باشد. به عنوان نمونه انتخاب دوست از محیط‌های ناشناخته یا با جنس مخالف دوستی داشتن، مواردی از این نوع است، به‌ویژه در سال‌های بلوغ و نوجوانی که احساسات شدید و نیرومندی بر پسران و دختران حاکم است، دوستی با جنس مخالف، می‌تواند توجه عده‌ای از آنان را برانگیزد و با شکل‌گیری دوستی مذکور، پیامدهای ناگواری را در پی داشته باشد. برخی از روان‌شناسان، عشق و علاقه نوجوانان به جنس مخالف را بر دو نوع می‌دانند^۱:

۱ عشق عاطفی

۲ عشق شهوانی (غریزی)

منظور از عشق عاطفی، محبت و علاقه‌ای است که نوجوان به جنس مخالف پیدا می‌کند و گاهی از آن «به عشق پاک» تعبیر می‌کنند. در این مرحله، عشق جنبهٔ جسمانی و شهوانی ندارد، بلکه با نوعی تمجید و تحسین و احساس فداکاری توأم است و نوجوان به شدت پرهیز دارد که این نوع احساس را با برچسب علاقهٔ جنسی، لکه‌دار کند و از آن با عنوان عشق آسمانی یاد می‌کند. «موریس دنبس» این نوع گرایش را عشق‌های افلاطونی می‌نامد^۲.

در مرحلهٔ عشق شهوانی که به دنبال عشق عاطفی ظهور می‌کند، نوجوان بیشتر به مسائل توأم با لذت علاقه‌مند می‌شود و چنانچه در طرف مقابل ویژگی‌های مطلوب را مشاهده نماید به ازدواج می‌اندیشد؛ گاهی هر دو جنبه، یعنی عشق عاطفی (آسمانی) و عشق شهوانی حضور می‌یابند و به یکدیگر حد می‌زنند. لذا چنانچه در حیات جنسی نوجوان، عشق عاطفی و عشق شهوانی به شکل مطلوب در چارچوب قانون و شرع پیوند خورده و پس از دوران نامزدی (عقد)، منجر به تشکیل خانواده شود، می‌توان گفت این راه پُر مخاطره را به سلامت پشت‌سر گذاشته‌اند^۳.

پیامدهای دوستی نامطلوب

برای دوستی‌های نامطلوب، مصادیق متنوعی وجود دارد؛ نظیر دوستی با افراد دارای انحراف اخلاقی، افراد ضداجتماع، نوجوانان و جوانانی که مبتلا به عادات ناپسند دوران بلوغ‌اند، آنهایی که از مدرسه اخراج شده و نیز آنهایی که به باندهای سرقت، قاچاق، مواد مخدر و اختلاس می‌پیوندند یا در مراکز آلوده و مشکوک به فساد اخلاقی رفت و آمد می‌کنند، همه مواردی از دوستی‌های نامطلوب محسوب می‌شوند. پیوستن به این دسته از افراد، علاوه بر به انحراف کشاندن نوجوانان و جوانان، به ایجاد سوءپیشینه منجر می‌شود و در سال‌های بعد برای ازدواج و اشتغال، آنها را دچار مخاطره می‌کند، زیرا آنها به لحاظ داشتن سوءپیشینه برای ورود به مشاغل گوناگون، دچار مشکل می‌شوند. مشکل بزرگ دیگر، این است که برای تشکیل خانواده و امر ازدواج نیز با موانعی روبه‌رو می‌شوند که به راحتی نمی‌توانند از آنها عبور کنند، زیرا تحقیق در مورد گذشته یا وضعیت فعلی‌شان، نتایج خوبی به بار نمی‌آورد و اعتماد لازم را برای اقدام به ازدواج نمی‌توانند به دست آورند و خانواده طرف مقابل اعم از دختر یا پسر، چنین پیشینه‌ای را دلیل کافی برای پاسخ منفی دادن می‌دانند.

۱. بلوغ (چه می‌دانم!)، ص ۶۰

۲. همان

۳. دنیای نوجوان، ص ۱۷۹-۱۸۰

پیامدهای نامطلوب دوستی با جنس مخالف

یکی از عواملی که در کوتاه‌مدت و درازمدت زندگی جوانان را دچار مخاطره می‌کند، دوستی با جنس مخالف است. در کوتاه‌مدت آنها را از پیشرفت تحصیلی و موفقیت آینده بازمی‌دارد و تمامی فعالیت‌هایشان را بر مسائل عاطفی و عشقی متمرکز می‌سازد، لذا از درس و مدرسه‌گریزان شده و در کوچه و خیابان پرسه می‌زنند و غافل از آینده‌ای که در پیش دارند، در گیرودار مسائل احساسی و عاطفی، به آسیب‌های اخلاقی، تربیتی و دینی مبتلا می‌شوند. این دسته از نوجوانان و جوانان در درازمدت با مشکلات دیگری مواجه می‌شوند که به پاره‌ای از آنها ذیلاً اشاره می‌شود:

۱ داشتن تجربه‌ای نظیر دوستی با جنس مخالف، علاوه بر اینکه از نظر شرعی حرام است، همیشه تهدیدی بالقوه برای زندگی مشترک محسوب می‌شود، زیرا چنانچه در برابر این سؤال قرار گیرند که آیا تاکنون دوست جنس مخالف داشته‌اند؟ به درستی نمی‌دانند که پاسخشان چیست؟ اگر حقیقت مطلب را بگویند که تجربه دوستی با جنس مخالف را داشته‌اند، سنگینی حالت بی‌اعتمادی و سوءظن بر زندگی مشترکشان، سایه می‌افکند و ممکن است در طول زندگی هر بار که مشکلی در روابط بین آنان بروز پیدا می‌کند، به این مسئله ربط داده شود و همین امر موجب بروز بحران در زندگی مشترک شود و اگر در برابر چنین سوالی، دروغ بگویند، احتمال دارد که خود را از یک چالش بزرگ دور نگه‌دارند ولی احساس ناراحتی وجدان و دغدغه‌های بعدی آن به خاطر رفتار غیرصادقانه، آنان را همچنان آزار خواهد داد.

۲ داشتن سابقه دوستی با جنس مخالف، قبل از ازدواج، شرایطی به وجود خواهد آورد که دائماً همسرش را با جنس مخالفی که با او دوستی برقرار کرده، مقایسه کند و ظاهر زندگی او را با باطن زندگی خود بسنجد و همیشه در رنج باشد، زیرا مشکلات خود را با موقعیت ظاهری او در نظر می‌گیرد و خود و همسرش را مصداق انسان‌های بدبخت و او را نمونه فردی خوشبخت بداند. در چنین صورتی هرگز از زندگی مشترک، احساس رضایت نخواهد کرد. اغلب ما انسان‌ها عادت داریم که صرفاً برخی از امتیازات دیگران را در یک کفه ترازو و ناکامی‌های خود را در کفه دیگر قرار داده و بر همین اساس دست به مقایسه زده و خود را شکست‌خورده و ناموفق بدانیم و کاملاً توجه نداریم که هر فردی به موازات کامیابی که به دست می‌آورد، در بخش‌های دیگری از زندگی با ناکامی مواجه است.

۳ زندگی مشترک، زمانی برای طرفین (دختر و پسر) از جذابیت برخوردار است که آنان پس از ازدواج چیزهایی را در وجود یکدیگر کشف کنند و رضایت خاطر پیدا نمایند. مثلاً میزان محبت و عاطفه‌ای که همسران جوان نسبت به یکدیگر در ابتدا دارند، با کشف دنیای درون شریک زندگیشان، بیشتر و بیشتر می‌شود و همین امر، پایه‌های زندگی را محکم و استوار می‌کند.

ولی سابقه دوستی با جنس مخالف، موجب می‌شود که دختر و پسر، آن چیزهایی را که زوجین پس از ازدواج کشف می‌کنند، برای آنها قبل از ازدواج حاصل شود و پس از تجربه‌ای این چنین، دیگر چیز جذابی باقی نمی‌ماند که بخواهند از طریق ازدواج به آن برسند و لذا ازدواج چندان موفقی ممکن است در انتظارشان نباشد. یادآوری این نکته ضروری است که چنانچه دختر و پسر با بی‌اطلاعی از حرام بودن دوستی با جنس مخالف، اقدام به برقراری چنین دوستی کرده باشند و پس از مدتی از حرمت آن مطلع شوند و با توبه و استغفار، به فطرت الهی خویش بازگشت نمایند، امید است که مورد رحمت الهی قرار گیرند و خداوند متعال به آنها موهبت همسر خوبی عنایت فرماید و به رضایت از زندگی مشترک نائل شوند.

۴ انتخاب عقلانی: دقت در هر انتخابی باید متناسب با اهمیت و مدت زمان آن باشد. انتخاب همسر، از حیث زمانی، انتخابی به درازای یک عمر زندگی است و لذا دختران و پسران جوان در موضوع انتخاب همسر، بیشترین و بهترین عوامل را باید به کار گیرند تا زندگی موفق و سعادت‌مندی داشته باشند.

منظور از انتخاب عقلانی، در نظر گرفتن معیارها و میزان‌هایی برای ازدواج است که بر مبنای عقلی استوار باشد و صرفاً بر پایه احساسات زودگذر نباشد. زیرا احساسات جوانان شدید و پرشور است و در ابتدای آشنایی با طرف مقابل، صرفاً به این می‌اندیشند که هر چه زودتر ازدواج کنند و زندگی مشترک را غالباً از دریچه عواطف ارزیابی می‌کنند و در صورتی که تنها مبنای انتخاب همسر، عاطفه و احساس باشد، پس از مدت کوتاهی که از شروع زندگی سپری می‌شود، احساسات آنان، فروکش نموده و مواجه با چالش‌هایی می‌شوند که راه غلبه بر آنها مسئولیت‌پذیری، گذشت و ایثار است و چون این صفات و خصلت‌ها را در خود پرورش نداده‌اند و نیز در وجود همسر خود جست‌وجو نکرده‌اند، نمی‌توانند با نیروی احساسات به مقابله با آنها برخیزند و لذا در برابر مشکلات عقب‌نشینی کرده و هر یک دیگری را متهم به بی‌مسئولیتی می‌کند.

بهترین توصیه به دختران و پسران نوجوان و جوان در امر انتخاب همسر، بررسی جوانب مختلف ازدواج، ارزیابی خصوصیات اخلاقی طرف مقابل، مشورت و هم‌اندیشی با افراد مورد اعتماد نظیر والدین، معلمان و استادان است تا اطمینان پیدا کنند که به دقت توانسته‌اند این مسائل را ارزیابی نموده و بر مبنای آن تصمیمی درست را اتخاذ نمایند.

در میان تمامی ملاحظات قبل از ازدواج، جایگاه انتخاب عقلانی از اولویت خاصی برخوردار است زیرا اگر انتخاب صحیح و موفق داشته باشند به معنای قرار گرفتن در مسیری هموار در راه زندگی است و چنانچه انتخابی شتابزده، نسنجیده و متکی بر احساس داشته باشند، در شرایطی نیستند که بتوانند از این راه عقب‌نشینی کنند.

۵ ازدواج به موقع: موضوع مهم دیگری که تأثیر به‌سزایی در مصونیت اخلاقی جوانان دارد و بر سلامت زندگی آنان و نسل بعدی مؤثر است، «ازدواج به موقع» است. شادابی و نشاط اوایل جوانی در پرتو «ازدواج به موقع» حفظ می‌شود. ازدواج زود هنگام، احتمالاً به جهت نداشتن تجربه کافی زندگی، در معرض نوسان‌هایی قرار می‌گیرد و باب ناسازگاری میان زوجین گشوده می‌شود، زیرا ازدواج علاوه بر بلوغ جسمی و فیزیکی، نیاز به بلوغ فکری و پختگی روحی نیز دارد تا بتوان کشتی خانواده را در میان امواج بی‌پایان دریای زندگی هدایت کرد.

ازدواج دیر هنگام نیز با آفت‌ها و آسیب‌های دیگری مواجه می‌شود، زیرا تشکیل خانواده در سال‌های بعد از جوانی، به معنای از دست دادن شور و نشاط اولیه‌ای است که مربوط به عنفوان جوانی می‌باشد. لذا برخی از دختران و پسرانی که دیر هنگام ازدواج می‌کنند، بخشی از پتانسیل اولیه و نیروی قوام‌بخش زندگی را از دست داده‌اند و حال و حوصله کافی برای گذران مراحل مختلف زندگی مشترک و تربیت فرزند را دارا نیستند، البته همه ازدواج‌های دیر هنگام چنین نیستند، بلکه عده‌ای نیز هستند که به مدد ورزش و فعالیت‌های بدنی، تغذیه مناسب و بهره‌گیری از روش‌های برقراری ارتباط انسانی، قادرند شور و هیجان لازم را به زندگی تزریق نموده و با مطالعه آثار و ادبیات خانواده و تربیت فرزند، ابتکار عمل لازم را به دست گیرند.

برای ازدواج به موقع، علاوه بر ویژگی مذکور در بالا، می‌توان امتیازهای دیگری نیز در نظر گرفت که از آن جمله حفظ سرمایه دین و ایمان جوانان در پرتو داشتن همسر است. از آنجایی که جوانان بیش از سایر گروه‌های سنی در معرض مخاطرات اخلاقی و رفتارهای پرخطرند، اقدام به ازدواج علاوه بر مصونیت آنها از تهدیدهای مذکور، به آنان یاری می‌رساند تا موهبت و سرمایه دین و ایمان خود را حفظ کنند و با مساعدت همسری همراه و هماهنگ، رشد معنوی بیشتری نیز داشته باشند.

بر این اساس، باید نتیجه گرفت که به همان اندازه که بی‌احتیاطی و شتابزدگی در ازدواج، نکوهیده است و پیامدهای نامطلوبی دارد، در نقطهٔ مقابل، وسواس به خرج دادن در امر تشکیل ازدواج و انتخاب همسر نیز ناپسند و مذموم است و بهترین زمان برای ازدواج موفق و پایدار، سال‌های اولیهٔ جوانی است که دختر و پسر از انرژی، انگیزه، سلامت جسمی و استقامت لازم برای پذیرش مسئولیت‌های مشترک برخوردارند. لازم به ذکر است که تأکید بر اوایل جوانی به‌عنوان مرحله‌ای مناسب برای ازدواج، صرفاً به این معنا نیست که هر جوانی در اوایل این دوران و به محض رسیدن به بلوغ جسمی و فیزیکی حتماً شرایط دیگر ازدواج را هم داراست، بلکه اینها شرایط لازم برای ازدواج محسوب می‌شوند و شرط کافی، همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، بلوغ فکری و روحی و مسئولیت‌پذیری است.

❖ مدیریت دنیای مجازی: ارتباط با دنیای مجازی، در دنیای امروز گریزناپذیر است و استفاده‌های اطلاعاتی و تحقیقاتی مربوط به آن، بخش مهمی از زندگی ما انسان‌ها را پوشش می‌دهد ولیکن در کنار جواب مثبت و حیاتی دنیای مجازی، مسائل دیگری نیز قابل طرح و توجه است که اگر به درستی مورد تأمل قرار نگیرد، تبعات جبران‌ناپذیری خواهد داشت.

این موضوع اگرچه برای هر انسانی قابل بررسی و ارزیابی است ولی برای جوانان در آستانهٔ ازدواج از دو جهت، اهمیت می‌یابد:

ابتدا از حیث برنامه‌ریزی و اختصاص زمان مناسب به دنیای مجازی است. بخشی از نوجوانان و جوانان به لحاظ ارتباط بی‌رویه و گسترده با دنیای مجازی، به مرحله‌ای می‌رسند که نوعی وابستگی روحی و روانی به آن پیدا می‌کنند و تصور اینکه روز و شبی بر آنها بگذرد و ساعاتی از عمر خود را به ارتباط با دنیای مجازی صرف نکنند، غیرقابل قبول است و در مواردی میزان وابستگی برخی از آنها به مرحله‌ای می‌رسد که اصطلاحاً به آن «اعتیاد به دنیای مجازی» گفته می‌شود، زیرا همان‌طور که اعتیاد به مواد مخدر، ارادهٔ فرد را سلب می‌کند و فرد معتاد خود را ناتوان و بی‌اراده احساس می‌کند، اعتیاد به دنیای مجازی نیز چنین وضعیتی را به دنبال می‌آورد.

بدیهی است آن دسته از زوج‌های جوانی که با ورود به مرحلهٔ تشکیل خانواده، همچنان وابسته به دنیای مجازی‌اند و هدف اصلی آنها، دست یافتن به اطلاعات و مسائل علمی و پژوهشی نبوده و به قصد پرسه‌زدن در گوشه و کنار دنیای مجازی و نوعی تفتن و سرگرمی ورود به چنین دنیایی پیدا می‌کنند، به طور طبیعی، بخش مهمی از اوقات شبانه‌رویشان را که باید صرف مسائل مهم زندگی نظیر اشتغال، حضور در کنار همسر و خانواده و انجام مسئولیت‌های جدید شود، در پای دستگاه رایانه یا ماهواره از دست می‌دهند و خلأ به وجود آمده از این امر، نقطهٔ شروعی بر یک مشکل جدی در زندگی نوپای آنهاست، مشکلی که اگر به موقع حل نشود به بحران خانوادگی تبدیل خواهد شد.

جهت دوم اینکه، پرسه‌زدن بی‌هدف در دنیای مجازی، در موارد زیادی منجر به استفاده‌های غیراخلاقی و ضداخلاقی از دنیای مجازی می‌شود، به‌ویژه جذابیت‌ها، رنگ‌ها، جلوه‌های گوناگونی که دشمنان داخلی و خارجی برای جذب جوانان به مسائل غیراخلاقی به کار می‌گیرند و نیز بی‌احتیاطی‌های اخلاقی و نداشتن بنیهٔ معنوی و دینی مستحکم، بسیاری از جوانان را به مسائل مبتذل و هنجارشکن سوق می‌دهد و به مرحله‌ای می‌رسند که توجه به همسر و خانواده را از دست داده و جاذبه‌های فریبنده و ضداخلاقی دنیای مجازی، جایگزین جاذبه‌های اصیل و مقدس خانوادگی می‌شود و چه بسا ارتباط با دنیای مجازی برخی از مردان و زنان جوان و متأهل را به ارتباط با جنس مخالف سوق داده و ادامهٔ چنین وضعی، منجر به ازهم‌پاشیدگی کانون خانواده می‌شود. لذا مدیریت دنیای مجازی به عنوان یک ضرورت، نیازمند رعایت موارد ذیل است:

اول: با برنامه‌ریزی روزانه و اختصاص زمان مناسب به هر فعالیت، سهم مشخصی از وقت و فرصت موجود را به دنیای مجازی داده و از این میزان تخطی نشود، بدیهی است ارتباط انسانی با همسر و فرزندان، نیایش و ارتباط با خدا، ورزش و سرگرمی‌های سالم، دیدار بستگان و دوستان، مطالعه آثار و کتاب‌های ارزنده، هر کدام دارای سهم مناسب خود خواهد بود.

دوم: ارتباط با دنیای مجازی براساس هدف مشخص و تعریف‌شده‌ای صورت گیرد؛ زیرا در این حالت به‌خوبی می‌دانیم به‌دنبال چه چیزی هستیم و فرصت‌هایمان از دست نمی‌رود ولی بدون هدف در دنیای نامحدود مجازی پرسه‌زدن به نتیجه‌ای جز اتلاف وقت و از دست دادن بهترین سال‌های عمر نخواهد داشت.

سوم: در نظر نگرفتن ملاحظات دینی، اخلاقی و فرهنگی در استفاده از شبکه‌ها و پایگاه‌های مختلف به‌ویژه سایت‌های خارجی با احتمال مخاطرات زیادی همراه است. داشتن چارچوب دینی، ارزشی و فرهنگی و پایبندی به آن، مانع از گرایش به فرهنگ‌های بیگانه می‌شود. در مواردی مشاهده شده است که معدودی از زوج‌های جوان با اعتقادات دینی و ملاحظات فرهنگی نسبتاً ضعیف و به خاطر تحت تأثیر فرهنگ‌های بیگانه قرار گرفتن، ابتدا خود دچار از خودبیگانگی و استحاله فرهنگی شده و پس از آن دچار ازهم‌پاشیدگی بنیان خانوادگی گردیده‌اند.

مطالعات خانوادگی و تربیتی: چنانچه شما قصد سفری چندروزه به کشور بیگانه داشته باشید که برای اولین بار می‌خواهید از آنجا دیدن کنید در کنار تدارک لوازم سفر، سعی خواهید کرد که حداقل کتاب یا کتابچه راهنمای سفر به چنین کشوری را قبلاً مطالعه کنید و اگر دسترسی به آن نداشته باشید، حداقل تلاش می‌کنید که بروشور چندصفحه‌ای درباره آن تهیه و مطالعه نمایید، با اینکه مسافرت شما ممکن است بیش از یک هفته به طول نینجامد.

ازدواج، سفری است به امتداد همه سال‌های زندگی، که نمی‌توان برای آن مدت زمان مشخصی از قبل تعریف یا تعیین کرد، سفری که زن و مرد با پیمان زندگی مشترک آن را آغاز می‌کنند، بنابراین بسیار عاقلانه خواهد بود که قبل از ازدواج، درباره تشکیل خانواده و آیین همسررداری، مطالعاتی داشته باشند و نیز از یک یا چند سال قبل از فرزنددار شدنشان، مطالعاتی تربیتی داشته باشند، تا در سایه این آگاهی‌ها و دانش‌های خانوادگی و تربیتی، فرزندان سالم و صالحی داشته باشند.

لازم به یادآوری است که خدای متعال مرد و زن را از لحاظ روحی متفاوت آفریده است، هر یک از این دو ویژگی‌های خاص شخصیتی خود را داشته و به دنیای متفاوتی تعلق دارند، لذا زن و مرد از هر حیث مانند هم نبوده و نیستند، بلکه مکمل همدیگر و زندگی مشترک به این منظور است که آنها در طول زندگی، همدیگر را کامل کنند تا رشد و بالندگی نصیب آنها شود.

بر این اساس مطالعه دنیای روحی زن، برای مرد یک ضرورت محسوب می‌شود تا با شناخت ویژگی‌های زن و داشتن تعامل موفق با او زندگی سعادت‌مندی داشته باشد، همچنین مطالعه دنیای روحی مرد، برای زن یک «باید» محسوب می‌شود تا او هم بتواند از دنیای متفاوت مرد، شناختی منطقی داشته باشد و در پرتو چنین شناخت متقابلی به نیکبختی دست یابد.

خوشبختانه در چند دهه اخیر با رواج کلاس‌های آموزشی برای جوانان در آستانه ازدواج و برگزاری کارگاه‌های عملی در این زمینه و نیز انتشار نشریه‌های فراوان در زمینه ادبیات ازدواج، خانواده و تربیت فرزند، گام‌های مهمی برداشته شده است تا دختران و پسران جوان با آگاهی‌های قبلی و شناخت اولیه، بنیان زندگی مشترک را به نحو مطلوبی پایه‌گذاری نمایند و حاصل آن، زندگی‌های سالم، خانواده‌های متعادل و زوج‌های خوشبخت و فرزندان سعادت‌مند خواهد بود.

ابتدا ارائه تعریف روشنی از انگیزه^۱ ضروری به نظر می‌رسد. در معنی این واژه می‌توان گفت: انگیزه، حالتی است در درون فرد که به او انرژی می‌دهد و او را به سوی یک هدف خاص رهبری می‌کند و در تعریفی دیگر آمده است که بنا به تعریف علمی، انگیزه حالتی فرضی در موجود زنده است که برای تعیین انتخاب‌ها و رفتار معطوف به آن هدف به کار می‌رود و انگیزه‌ها بنا به تعریف ذهنی به صورت آرزو یا میل تجربه می‌شود.^۲ هر عمل و رفتاری، برخاسته از انگیزه یا انگیزه‌هایی است که در مواردی از آنها آگاهی داشته و داریم و در مواردی دیگر نسبت به آنها چندان شفافیت و شناخت روشنی نداریم. ولی به میزان آگاهی از انگیزه‌های خود، امکان مدیریت آنها را به مراتب بیشتر خواهیم داشت. ازدواج در جایگاه انتخابی مهم و تعیین‌کننده، دربرگیرنده انگیزه‌های متعدد و متفاوتی است، که می‌توان آنها را در سه بخش فاقد انگیزه، انگیزه‌های مطلوب و نامطلوب، طبقه‌بندی کرد.

الف) ازدواج‌های فاقد انگیزه

منظور از ازدواج‌های فاقد انگیزه، پیوندهایی میان دختر و پسر، زن و مرد است که بیشتر جنبه اتفاقی یا تصادفی داشته و از قبل هر دو طرف یا یکی از طرفین با انگیزه قبلی و مشخصی، وارد مرحله ازدواج نشده است، پیوندهایی که صرفاً بر پایه یک احساس تند و شدید، عواطف گرم یا یک عشق گذرا شکل می‌گیرد، نمونه‌ای از این ازدواج‌ها محسوب می‌شود. اینک به بیان انگیزه‌های مطلوب خواهیم پرداخت:

ب) انگیزه‌های مطلوب

این دسته انگیزه‌ها از لحاظ ماهیت و معطوف بودن به نظام ارزش‌های اخلاقی، چشم‌اندازهای خاصی را پیش‌روی جوانان می‌گشاید. این انگیزه‌ها نه تنها مطلوب، بلکه کارآمد نیز هستند زیرا به لحاظ مبتنی بودن بر ارزش‌ها، تأثیراتی را بر همسران جوان می‌گذارند که به روند زندگی‌شان کیفیت خاصی می‌بخشد، که ذیلاً به مواردی از آنها اشاره می‌شود:

۱) ازدواج با انگیزه الهی: چنانچه انتخاب همسر و تشکیل زندگی مشترک بر مبنای جلب رضایت الهی محقق شود، این امر نویدبخش ازدواجی موفق و فرجامی نیکو می‌باشد. توضیح مطلب اینکه، ازدواج به نوعی اطاعت از اوامر الهی است لذا عمل به این امر، موجب رضای او خواهد بود. در بیانات رسول اکرم ﷺ آمده است:

«ازدواج موجب حفظ نیمی از دین می‌شود و برای نیمی دیگر باید از تقوا یاری گرفت».^۳

۲) ازدواج با انگیزه کمال: از خصوصیت‌های مهم انسان، جست‌وجوی کمال و دستیابی به آن است ولی انسان‌ها در تشخیص مصداق کمال اختلاف دارند. در حقیقت این مورد با مورد اول خیلی نزدیک است؛ زیرا اعتقاد انسان‌ها خدا باور این است که هر عاملی به هر اندازه که آدمی را به خدا نزدیک کند، واجد درجه‌ای از کمال است.^۴

۱. Motive

۲. فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، ص ۳۸۴

۳. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۷۲

۴. تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۲۵۴

برخی اندیشمندان مسلمان نظیر استاد شهید مطهری معتقدند:

«این پختگی [روحي و روانی] در پناه ازدواج و تشکیل خانواده تحقق می‌یابد.»

۲ ازدواج با انگیزه تأمین نیازها: از عوامل دیگر در ترغیب جوانان به ازدواج، انگیزه تأمین نیازهای روحی و روانی است. آدمی در پرتو ازدواج، فرصتی می‌یابد تا نیاز خود به احساس ایمنی، دوست داشتن و دوست داشته شدن فهم و درک متقابل، تکریم زیبایی و خودشکوفایی را تأمین نماید.

۴ ازدواج با انگیزه امنیت: انگیزه دیگری که نقطه اتکای بسیاری از زوج‌های جوان برای تشکیل زندگی محسوب می‌شود، تأمین احساس امنیت است، یعنی فرد با اقدام به ازدواج، در حقیقت به دنبال یافتن تکیه‌گاه مطمئن و آرامش قابل قبول و دلپذیری برای زندگی است و برای رسیدن به این آرامش، سعی در جلب حمایت و پشتیبانی دیگری از خویشتن دارد.^۱ نکته قابل توجه اینکه در کلام الهی یکی از اهداف تشکیل خانواده و همسرگزینی، دست یافتن به آرامش ذکر شده است.^۲

نکته قابل توجه دیگر اینکه، انگیزه‌های یاد شده با یکدیگر ارتباط طولی دارند و در یک راستا می‌توانند قرار گیرند، مثلاً تأمین نیاز به امنیت، به تأمین نیازهای اساسی منجر شده و هر دوی آنها به کمال اخلاقی و معنوی آدمی می‌انجامد و با هدف قرار دادن قرب الهی به عنوان غایت، می‌توان احتمال داد که با ازدواج، رضایت پروردگار نیز تأمین شده است.

ج) انگیزه‌های نامطلوب

در مقابل انگیزه‌های مطلوب، با صورت‌های متفاوتی از انگیزه‌هایی مواجه می‌شویم که انگیزه‌های نامطلوب ازدواج تلقی می‌شوند. مواردی از این نوع انگیزه‌ها به اختصار در ذیل می‌آید:^۳

۱ ازدواج اجباری: در این نوع ازدواج‌ها، پیوند زندگی مشترک با اراده کامل دختر یا پسر یا هر دوی آنها منعقد نمی‌شود و تصمیم نهایی را دیگران اتخاذ می‌کنند، در حالی که یکی از آداب پسندیده در ازدواج اسلامی این است که پدران و مادران بدون مشورت و رضایت دختران و پسران، در امر ازدواج آنها اقدام نکنند. مشکل اصلی این قبیل ازدواج‌ها، کاهش انگیزه زوج‌های جوان برای مواجهه با مشکلات ناشی از زندگی است.

۲ ازدواج اضطراری: اگر در ازدواج اجباری، دیگران اراده خود را بر فرد تحمیل می‌کنند، در ازدواج اضطراری، فرد چنین وضعیتی را به خود تحمیل می‌کند، نظیر دختران یا پسرانی که برای نجات از خانواده پدری خود و به ناچار تن به ازدواج می‌دهند، نظیر آن دسته از خانواده‌های پدری که نابسامان، متارکه کرده، آلوده به اعتیاد، منحرف، طرد شده، پرخاشگر و سرکوبگر هستند.

۲ ازدواج با انگیزه ترحم: چنین انگیزه‌ای دقیقاً با انگیزه «مهرورزی» تفاوت دارد، زیرا مهرورزی، رابطه‌ای سالم، رشید و متقابل میان دو انسان است در حالی که ترحم رابطه‌ای یک‌جانبه تلقی می‌شود. در ازدواج با انگیزه ترحم یکی از همسران به دیگری کاملاً وابسته شده و طرف مقابل نیز براساس ترحم با او رفتار می‌کند که اساساً چنین رویه‌ای با رشد شخصیت انسان، ناسازگار است.

۴ ازدواج با انگیزه مهاجرت: نوع دیگری از ازدواج‌ها که در چند دهه اخیر رایج شده تشکیل زندگی با نیت و انگیزه مهاجرت به کشوری بیگانه و احیاناً اقامت دائم در آنجاست. این نوع ازدواج‌ها در مواردی بدون

۱. تربیت خانواده در سیره نبوی، ص ۶۰

۲. روم: ۲۱

۳. این موارد از انگیزه‌های نامطلوب از کتاب «تربیت در سیره نبوی ﷺ» تألیف دکتر محمدرضا شرفی نقل می‌شود.

شناخت کافی از طرف مقابل و خانواده‌اش صورت می‌گیرد و چه بسا دختران جوانی با رؤیای سفر به خارج و اقامت در کشور بیگانه، خوش‌بینانه وارد زندگی مشترک می‌شوند ولی به مرور درمی‌یابند که فاصله میان تصورات و واقعیات، زیاد است.

۵ ازدواج با انگیزه اقتصادی: یکی از انگیزه‌های پنهان در برخی ازدواج‌ها، دستیابی به هدف‌های اقتصادی و مادی است که در پاره‌ای موارد پسران و گاهی دختران برای تأمین خواسته‌های مادی اقدام به تشکیل زندگی مشترک می‌کنند. این نوع ازدواج‌ها نیز به لحاظ ابتناء بر چنین انگیزه‌ای، غالباً با ناکامی مواجه می‌شوند. در روایتی از رسول اکرم ﷺ آمده است که اگر مردی به انگیزه مال با زنی ازدواج کند، خدا او را به خویشتن وامی‌گذارد.^۱

۶ ازدواج با انگیزه زیبایی‌دوستی: گرایش به زیبایی یکی از تمایلات فطری انسان است و در مراحل مختلف زندگی به صورت‌های گوناگون تجلی می‌کند. بر همین اساس جوانان، توجه به زیبایی همسر آینده‌شان را به عنوان یک عامل مهم در نظر می‌گیرند.

واقعیت این است که اگر عامل زیبایی در کنار سایر عوامل دیگر و در حد و اندازه خود، مورد توجه باشد، انتخابی منطقی و معقول محسوب می‌شود ولی در صورتی که مهم‌ترین شاخص برای ازدواج در نظر گرفته شده و سایر عوامل به حساب نیایند، زندگی مشترک آنها دچار آسیب‌های کم و بیش جدی خواهد شد زیرا زیبایی صرف و فاقد ارزش‌های اخلاقی در کنار آن، فرد را در معرض لغزش‌های بیشتری قرار خواهد داد. در فرمایشات رسول اکرم ﷺ آمده است: «اگر کسی با زنی به خاطر زیبایی‌اش ازدواج کند، به آنچه دوست دارد در او مشاهده کند، نمی‌رسد و از آن برخوردار نمی‌شود».^۲

۷ ازدواج با انگیزه تفتن: هر اقدامی برای ازدواج با انگیزه تفتن، در معرض تهدید خواهد بود، زیرا ورود افراد و پدیده‌های جدید و جذاب، توجه افراد تفتن‌طلب را برمی‌انگیزد تا به نوعی به این‌گونه محرک‌ها پاسخ دهند. لذا این‌گونه ازدواج‌ها که فاقد هدف عالی و مقصد مشخصی است، در طرفین مسئولیت‌های کافی را برای حفظ زندگی برنمی‌انگیزد. شاید برنامه اصلی این‌گونه افراد این است که هر چیزی به تجربه کردنش می‌ارزد و بدیهی است چنین دیدگاهی آن اندازه چارچوب محکمی ندارد تا در صورت مواجهه با چالش‌های پیش‌رو، از همسر و زندگی‌اش، محافظت نماید.

۸ ازدواج با انگیزه رهایی از تفرد (غلبه بر تنهایی): انسان به‌طور فطری، تمایل به زندگی اجتماعی دارد و جامعه‌شناسان و برخی اندیشمندان نظیر علامه طباطبائی، آدمی را موجودی مدنی‌الطبع می‌دانند^۳ و عامل بقای انسان و اجتماعی بودن وی تلقی می‌کنند. بر این اساس، شاید بتوان، انگیزه‌رهایی از تنهایی را طبیعی و منطقی دانست ولی نکته اساسی این است که چنین انگیزه‌ای نه شرط لازم و نه شرط کافی برای توفیق زندگی مشترک است، زیرا در بخشی از این انگیزه، رگه‌هایی از خودخواهی و خودمحوری است، در حالی که در مواردی لازم است فرد با هنر مهرورزی و ترجیح همسر بر خویشتن، به یاری همسر و زندگی بشتابد.

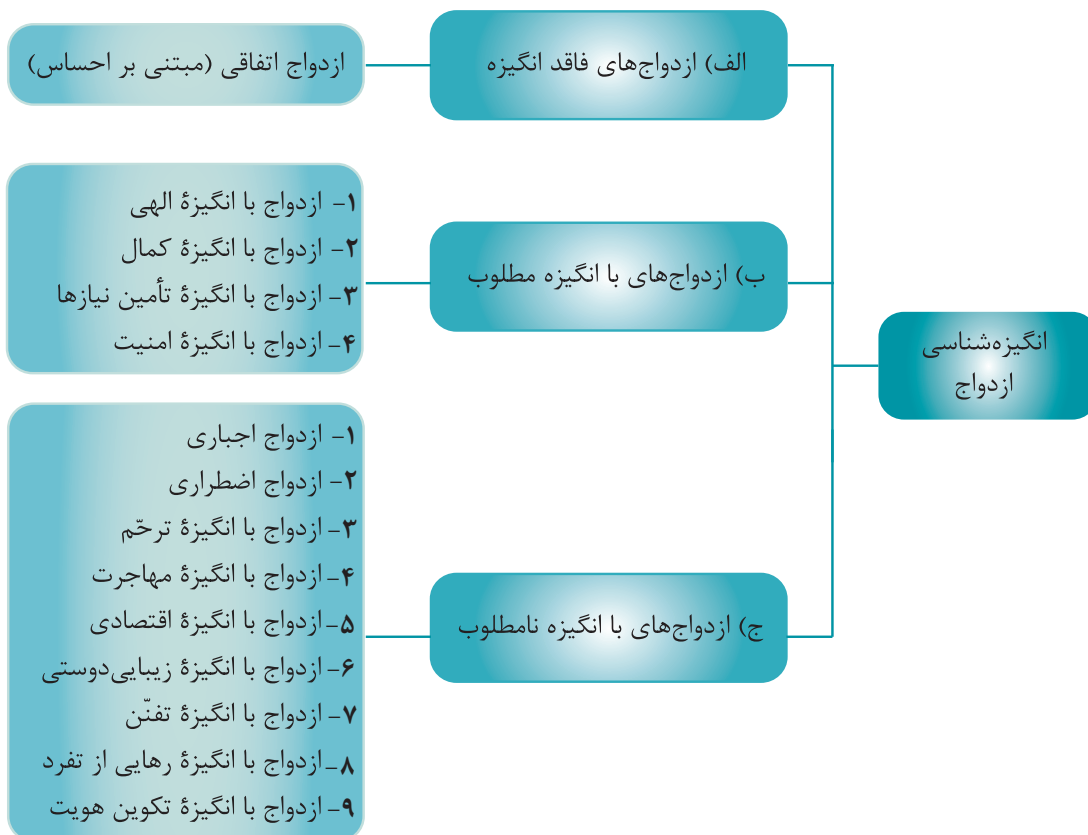
۹ ازدواج با انگیزه تکوین هویت: برخی از جوانان به دلیل وجود مشکلاتی در قلمرو هویت، سعی می‌کنند که به وسیله ازدواج با خانواده‌های سرشناس، بانفوذ و دارای شهرت و موقعیت‌های اجتماعی نسبتاً خوب، هویت خویش را ترمیم و قدر و منزلتی برای خود پیدا کنند. وجود چنین انگیزه‌ای در ازدواج به معنای

۱. میزان‌الحکمه، ج ۴، ص ۲۷۷

۲. همان جا

۳. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۱۶۷

اتخاذ رویکرد خاصی نسبت به همسر است به این معنا که «رویکرد ابزاری» به جای «رویکرد انسانی» بر زندگی حاکم می‌شود، در این صورت چنین فردی، همسر آینده‌اش را نه به خاطر خودش بلکه ابزاری در جهت نیل به هویت و موقعیت خود می‌خواهد کسانی که به جای تکیه بر تلاش و کوشش خود، چشم به امکانات همسر و خانواده‌اش دارند، در حقیقت دچار نوعی احساس ضعف شخصیت‌اند و در این صورت نمی‌توانند مدیریت مطلوبی برای زندگی داشته باشند.



نمودار ۱- انگیزه‌شناسی ازدواج در یک نگاه

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از مباحث پیشین می‌توان چنین نتیجه گرفت که رعایت ملاحظات تربیتی و اخلاقی، قبل از ازدواج، متضمن دو دسته آثار است: یک دسته از آنها ناظر به فرد و سلامت اخلاقی و تربیتی اوست و دسته دیگر دربرگیرنده تدابیری است که رعایت آنها به ازدواج سالم و پایدار و خانواده موفق و بالنده منجر می‌شود. مهم‌ترین تدبیر در این میان، انتخاب محیط معاشرت، دوستان و همراهانی است که در صورت انتخاب صحیح آنها، بهترین زمینه برای تقویت خانواده فراهم خواهد شد و در حقیقت این امور در یک راستا قرار می‌گیرند. پرهیز از دوستی‌های ناسالم و آلوده، پرهیز از دوستی با جنس مخالف و دوری از ارتباط با گروه‌ها و باندهای غیراخلاقی و ضداجتماعی، پیشینه روشن و قابل قبولی برای آغاز زندگی مشترک محسوب می‌شود. در نقطه مقابل، آلوده شدن به عادات ناپسند و پیوستن به افراد و مراکز مشکوک و آلوده و دوستی با جنس مخالف و تداوم آن در دوران قبل از ازدواج، جوانان را در وضعیت متزلزل و ناپایداری قرار می‌دهد که کمترین آسیب آن، بی‌اعتمادی و بدبینی همسران به یکدیگر خواهد بود.

جمع‌بندی و باهم‌نگری

آنچه در این پودمان مورد بحث و بررسی قرار گرفت، ابتدا تعاریفی از زندگی خوب، حیات معقول و زندگی پاک براساس آموزه‌های دینی بود. به دنبال آن، این موضوع بررسی شد که اساساً چه ضرورت‌هایی برای تشکیل خانواده وجود دارد و مشخص گردید که در میان این دسته از باورها و الزام‌ها، استمرار حیات بشر و تداوم نسل، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد، اگرچه سایر مؤلفه‌ها نیز سهم خاص خویش را دارا هستند. مطلب مهم دیگر این پودمان، ملاحظات تربیتی و اخلاقی قبل از ازدواج است که تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر فرایند تشکیل خانواده دارد.

رعایت این دسته از ملاحظات، نظیر حفظ پاکدامنی و عفاف، پرهیز از عادات ناپسند و دوستی‌های ناسالم و پرهیز از دوستی با جنس مخالف، همه مواردی هستند که در نظر گرفتن آنها و اقدام مناسب، می‌تواند زندگی مشترک را از برخی مخاطرات رهایی بخشد.

خودیابی و خودارزیابی

- ۱ شرایط مورد نظر افلاطون برای «زندگی خوب و توأم با آرامش» چیست؟
- ۲ چه رابطه‌ای میان ویژگی‌های «جامعه مطلوب» و «زندگی خوب» از دیدگاه افلاطون، قابل برداشت است؟
- ۳ «زندگی خوب» از نظر اندیشمندان چه تفاوتی با «زندگی پاک» از دیدگاه قرآن کریم دارد؟ به دلایل خود در این مورد اشاره کنید.
- ۴ نکات اساسی برگرفته از «حیات طیبه» چیست؟ به نظر شما کدام نکته مهم‌تر است؟
- ۵ به نظر شما علاوه بر عوامل مؤثر در اعتلای خانواده که در کتاب آمده است، چه عامل (عوامل) دیگری می‌تواند موجب تقویت و تعالی خانواده شود؟
- ۶ ویژگی‌های ازدواج به موقع کدامند؟ چرا چنین ازدواجی می‌تواند جوانان را در برابر تهدیدهای اخلاقی حفظ و حراست نماید؟
- ۷ چه راه‌کارهایی وجود دارد تا یکی از همسران جوان، مانع وابستگی شریک زندگی‌اش به دنیای مجازی شود؟
- ۸ چه کتاب‌هایی در خصوص تشکیل خانواده، ازدواج سالم و موفق و هنر همسررداری مطالعه کرده‌اید؟ بهترین و مؤثرترین آنها از دید شما کدامند؟ چرا؟
- ۹ در زمینه پیامدهای دوستی‌های نامطلوب، علاوه بر موارد یاد شده در کتاب، می‌توانید به آثار دیگر این نوع دوستی‌ها اشاره کنید.
- ۱۰ آیا با انگیزه‌های نامطلوب دیگری که در ازدواج مطرح است، آشنایی دارید؟ آنها را نام برده و نوع تأثیر آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید.